



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

اصول و شاخصه‌های

نحوه استخراج سیاست‌های کلی نظام

از فرمایشات

امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله)

مدیریت تحقیقات شبکه‌ای

اردیبهشت ۷۷

فهرست

۱ * - مقدمه

۲ بخش اول: بررسی محتوای استخراج سیاستهای کلی

۴ بخش دوم: جدول تعریف یا مدل استخراج سیاستهای کلی و مراحل تنظیم آن

۹ فصل یک: مرحله تأمین

۱۸ فصل دو: مرحله تجزیه

۱۹ فصل سه: مرحله ترکیب

۲۰ * - پیوست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصول و شاخصه‌های

نحوه استخراج سیاستهای کلی نظام

از فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله)

* مقدمه

در راستای بهره‌مندی گروه‌های پژوهشی - کارشناسی از فرمایشات حضرت استاد حجة الاسلام والمسلمین حسینی در مورد اصول و شاخصه‌های نحوه استخراج سیاستهای کلی نظام از فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله)، گروه مدیریت به تقطیع و تنظیم فرمایشات حضرت استاد در جلسات مدیریت تحقیقات شبکه‌ای (شماره ۱ تا ۱۴) پرداخته است. لذا در متن حاضر ابتدا اصول و شاخصه‌های مربوط به محتوای استخراج سیاستهای کلی نظام بیان شده و سپس اصول و شاخصه‌های مدل استخراج این سیاستها و مراحل تنظیم مدل در قالب «تأمین، تجزیه و ترکیب» توضیح داده می‌شود. بعد از اتمام این اصول و شاخصه‌ها مستندات آن نیز در پیوست آورده می‌شود.

بخش اول: بررسی محتوای استخراج سیاستهای کلی

- ۱- لزوم رجوع به سخنان امام (ع) و رهبری «مدّظله» برای حضور در کمیسیونها
- ۲- مستندسازی بر اساس بیانات امام (ع) و رهبری «مدّظله» به تناسب موضوع فعالیت گروهها
- ۳- اجرایی و برنامه‌ای بودن سیاستهای رهبری «مدّظله» نه فلسفی یا فرهنگی و کتابخانه‌ای بودن
- ۴- لزوم مستندسازی عناوین طبقه‌بندی و تنظیم شده فهرست سیاستهای کلی نظام به فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله»
- ۵- مستند شدن عملی عناوین سیاسی، فرهنگی، اقتصادی به موضوعات خود فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله» از ۹ تا ۸۱ محور
- ۶- لزوم استخراج موضوعات فعالیتها، خود فعالیتها (سیاستها) و اهداف آن از فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله»
- ۷- لزوم مستند در امر طبقه‌بندی موضوعات سیاست، سیاستگذاری و غایت سیاستگذاری
- ۸- امکان تعیین موضوع یک سیاست در فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله»
- ۹- لزوم تطبیق سیاستهای اعلام شده، به فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله»
- ۱۰- دسته‌بندی کلی فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله» بهتر از گروهها توسط دیگران
- ۱۱- فرمایشات امام (ع) و رهبری «مدّظله»، مستند منقول سیاستهای اجرایی نظام
- ۱۲- ارائه سیاستهای نظری امام (ع) و رهبری «مدّظله» حداقل کار در پایان شش ماه اول
- ۱۳- ۲۷ عنوان ناظر به فرمایشات امام و رهبری، همان عناوین کلی (صفت و موصوفی) حاکم بر ۸۱ شاخصه
- ۱۴- نظام فلسفی گروهها و بیانات امام و رهبری، محل دستیابی به ۲۷ عنوان کلی
- ۱۵- لزوم بررسی نحوه تفکیک بیانات امام و رهبری بر محور موضوعات طبقه‌بندی دفتر
- ۱۶- لزوم بررسی چگونگی جای دادن بیانات امام و رهبری در خانه‌های جدول ۲۷ عنوانی به منظور مشخص شدن خانه‌های خالی و غیرخالی
- ۱۷- لزوم بررسی چگونگی دسته‌بندی بیانات امام و رهبری بر فرض تفکیک این بیانات و مشخص شدن جای هر یک از بیانات در خانه‌های جدول
- ۱۸- لزوم بیان سطوح مختلف برای سیاستهای لازم به استخراج از بیانات امام و رهبری

- ۱۹ - تفاوت داشتن سطح بندی سیاستهای موجود در بیانات امام و رهبری با طبقه بندی موضوع مورد نظر در نظام عناوین
- ۲۰ - لزوم استناد عناوین سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به فرمایشات امام و رهبری
- ۲۱ - بیانات حضرت امام و رهبری در یک موضوع به صورت مضاف و مضاف الیه و تعریف از یک موضوع به صورت صفت و موصوفی
- ۲۲ - سرکار گروهها با یک «صفت و موصوف» و یک «مضاف و مضاف الیه» و یک نسبت بین این دو (یعنی محصول)
- ۲۳ - سه امر «وصف فلسفی»، «مضاف الیه موضوع خارجی» و «روش تنظیم نسبت بین وصف فلسفی و موضوع خارجی» کلی ترین تقسیم نسبت به هر محصول از جمله سیاستهای استخراج شده از فرمایشات امام و رهبری
- ۲۴ - لزوم ارائه یک جدول ۲۷ عنوانی با پشتوانه لازم آن توسط گروهها
- ۲۵ - لزوم دستیابی به ۲۷ مطلب با عناوین اقتصادی / یا سیاسی و یا فرهنگی / از جدول ۲۷ عنوانی و معرفی آن عناوین در یک جزوه به نام عناوین اقتصادی / یا سیاسی و یا فرهنگی / سیاستگذاری
- ۲۶ - لزوم دسته بندی عناوین جدول ۲۷ تایی و تعریف آنها به «عناوین اساسی یا سیاستهای کلی نظام» و «عناوین اصولی نظام» و «عناوین خاص نظام»
- ۲۷ - لزوم معرفی عناوین مصداقی بصورت عناوین خاص و بخشی مثل بیمه، بانک، صنعت و...
- ۲۸ - لزوم استناد عناوین جدول ۲۷ تایی به بیانات امام و رهبری و متوجه نمودن ذهن مخاطب به این بیانات از طریق شماره گذاری دقیق این جدول
- ۲۹ - لزوم دستیابی به ۲۷ عنوان و ۸۱ شاخصه از بیانات امام و رهبری
- ۳۰ - ارائه جدول محتوای مستند به بیانات حضرت امام و رهبری، موضوع قرارداد گروههای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی
- ۳۱ - لزوم استناد ۲۷ عنوان وصف و موصوفی در بخش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به بیانات امام و رهبری

بخش دوم: جدول تعریف یا مدل استخراج سیاستهای کلی و مراحل تنظیم آن

- ۳۲ - عدم امکان طبقه‌بندی فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله» بدون مدل تئوری
- ۳۳ - عدم پذیرش طبقه‌بندی فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله» بدون مدل تئوری (از جانب اعضا کمیسیونها)
- ۳۴ - عدم امکان دسته‌بندی فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله» بدون تعیین نمودن تعریف آموزش، پژوهش، هنر و اخلاق و... غیره
- ۳۵ - ارائه یک مدل تقریبی با کار عملی روی موضوعات فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله»
- ۳۶ - از تقریبی درآمدن طبقه‌بندی موضوعات فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله» با بکارگیری مدل عینی در عینیت
- ۳۷ - لزوم دستیابی به ۲۷ عنوان کلی و ۸۱ عنوان موضوعی از صحیفه نور و فرمایشات رهبری «مدّظله» (در مرحله ضرب شده «ارزش، فکر، هنر» در «موضوعات، فعالیتها و اهداف»)
- ۳۸ - در جدول تعریف قرار نگرفتن عناوین بدست آمده از صحیفه نور و فرمایشات رهبری «مدّظله»، به معنای عدم توان ارائه شاخصه برای کنترل آن
- ۳۹ - لزوم دستیابی به مدل تئوری و نظری مطلوب در ابتدای کار برای دسته‌بندی صحیفه نور و فرمایشات رهبری «مدّظله»
- ۴۰ - مشتت استفاده نمودن از فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله» در صورت مقنن نشدن و نظام پیدانکردن ظهورات ابتدایی در این فرمایشات
- ۴۱ - متعاضد بودن نظام استنباط با کلام امام علیه السلام و رهبری «مدّظله»، شرط استفاده منظم از کلام ایشان
- ۴۲ - نیاز به مستند مقبول (فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله») برای رسیدن به مدل مطلوب نظری
- ۴۳ - نیاز مدل گروهها به مستند مقبول (فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله») به علت لزوم سخنگویانی از جانب دین
- ۴۴ - لزوم تبدیل مستندات معقول (منطق) و مقبول (فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله») در ابتدا به مدل نظری مطلوب
- ۴۵ - لزوم مستند شدن جدول تعریف در پایان کار به فرمایشات امام علیه السلام و رهبری «مدّظله» در قسمت منقول

۴۶ - عدم امکان دستیابی به سیاستهای اجرایی با صرف استخراج سیاستهای کلی نظام از فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله»

۴۷ - لزوم تهیه جدول مدل مند برای طبقه بندی فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» و در غیر اینصورت ناموفق بودن در کمیسیونها

۴۸ - لزوم انجام همزمان تطبیق به مدل و تطبیق به فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» به عنوان دو محور همزمان

۴۹ - انجام همزمان تطبیق به مدل و تطبیق به فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» به علت بسیار محدود بودن زمان

۵۰ - اهمیت طبقه بندی مدل مند فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» به علت ادعای امکان طبقه بندی مدل مند از جانب ما

۵۱ - اثر بسیار منفی داشتن عدم تحویل سیاستهای اجرایی مدل مند و جهت دار از فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله»

۵۲ - قابل جمع نبودن دسته بندی ساده فهرست فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» (از طریق کلی گیری نمودن در سه بخش موضوعات، افعال و اهداف) برای بدست آوردن سیاستهای اجرایی با ادعای تنظیم مدل مند سیاستهای اجرایی

۵۳ - لزوم توجه به آشنایی مسئولین دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت با برنامه عملیات و شیوه های طبقه بندی فرمایشات امام و رهبری

۵۴ - ارائه مجرای جریان فرمایشات امام و رهبری، درخواست جمع از گروهها به دلیل ادعای ما بر توان ارائه این مجرا

۵۵ - تحقق استخراج موضوعات کلی از فرمایشات امام و رهبری و تعریف روند برای آن و کشیدن منحنی آن توسط دیگران بدون تعریف «عامل متغیر برای آن

۵۶ - لزوم بررسی مدل مطلوب برای استناد به بیانات امام و رهبری

۵۷ - امکان دستیابی به نظام مدل متغیرهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی از طریق تنظیم بر اساس «نظام مدل طرح»

۵۸ - گردآوری، ساده و دیدون موضوعات بصورت ماتریسی، مشاهده ربط آنها بصورت نظام ولایت، مراحل دستیابی به نظام مدل

- ۵۹ - لزوم اخذ «طبقه بندی» از فلسفه و عدم امکان طبقه بندی از خود موضوعات
- ۶۰ - لزوم رعایت امور مورد نظر برای ایجاد اولین تناسب در جدول
- ۶۱ - لزوم اخذ صورت مسئله و سؤال از نظام فلسفی و پاسخ آن از عینیت به علت عدم امکان تقسیم بندی موضوعات در خود موضوع
- ۶۲ - لزوم تعیین مداوم نظامهای دسته بندی به عنوان مهمترین کار در امر دسته بندی بیانات امام و رهبری و موضوعات عینی
- ۶۳ - لزوم در اختیار قراردادن «مصادیق، اصول و اساسها» از بیانات امام و رهبری توسط جدول تأمین و گردآوری یا تجزیه این بیانات
- ۶۴ - ارائه مدل مطلوب، ارائه سیاست مدل مند در بیانات امام و رهبری و سپس اصل قراردادن خصوصیات تقسیم موضوع در پیدا کردن مواد مورد نیاز، سه مرحله جمع آوری موضوعات
- ۶۵ - ضرورت انجام یک کار فلسفی در تشریح وصف و موصوف محصول مورد نظر
- ۶۶ - لزوم داشتن سه دسته جدول دارای توان تمام کردن یک جدول بزرگ تعریف
- ۶۷ - لزوم دستیابی به بیانات امام و رهبری متناظر با «اوصاف «توسعه، ساختار، کارایی» و در نهایت لزوم دستیابی به متناظر اوصاف فلسفی از اصول استنباط احکام حکومتی
- ۶۸ - قرارگرفتن «تأمین، تجزیه، ترکیب» در سمت راست جدول به دلیل معنای ساختاری آن
- ۶۹ - قرارگرفتن «تأمین» در صدر جدول، هنگام متناظر دیدن «تأمین» با «اساس، اصول، مصداق»
- ۷۰ - لزوم ترسیم تابلویی برای تبیین منزلتها در ابتدای کار جدول طبقه بندی بیانات امام و رهبری
- ۷۱ - لزوم قراردادن عناوین متناظر با عناوین جدول تعریف در جدول طبقه بندی بیانات امام و رهبری، مانند عناوین «تأمین، تجزیه، ترکیب» و «اساس، اصول، مصداق» بجای عناوین «توسعه، ساختار، کارایی» و مانند آن
- ۷۲ - جدول دارای عناوین «تأمین، تجزیه، ترکیب» و «اساس، اصول، مصداق»، به عنوان دستگاه تنظیم جملات امام و رهبری
- ۷۳ - وجود سه موضوع اساسی (در خانه های ۶۴، ۳۲ و ۱۶)، سه موضوع اصولی (در خانه های اولی ۹ تایی) و سه موضوع مصداقی (در خانه های اولی ۲۷ تایی) در هر یک از امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جدول تنظیم جملات امام و رهبری

- ۷۴ - لزوم نیاوردن عین بیانات امام و رهبری در جدول تنظیم این بیانات
- ۷۵ - جدول تنظیم فرمایشات امام و رهبری در بردارنده استنتاجات از این بیانات، نه عین این بیانات
- ۷۶ - امکان تشخیص جایگاه هر یک از استنتاجات از بیانات امام و رهبری
- ۷۷ - تجزیه بیانات امام و رهبری به «اساس، اصول و مصداق» و ضرب آن در «موضوع، فعالیت و هدف» و در نهایت، قرارگرفتن آنها برابر موضوعات عینی، خود نحوه دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری
- ۷۸ - لزوم بیان نتیجه و عنوان جملات متعدد از فرمایشات امام و رهبری و دسته‌بندی آنها
- ۷۹ - لزوم استشهاد به استنباطات از فرمایشات امام و رهبری در ضمیمه و پاورقی
- ۸۰ - لزوم قراردادن دسته‌های موضوعات عینی در یک طرف جدول و قراردادن عنوان نتیجه بدست آمده از فرمایشات امام و رهبری در طرف دیگر جدول
- ۸۱ - فرمایشات امام و رهبری، ناظر به موضوعات عینی
- ۸۲ - لزوم ملاحظه نسبت‌های مجموعه جملات امام و رهبری با یکدیگر، قبل از نتیجه‌گیری از این جملات
- ۸۳ - جدول محتوای فرمایشات امام و رهبری در بردارنده دسته‌بندی استنتاجات آن بیانات، نه در بردارنده خود بیانات
- ۸۴ - جدول ۹ عنوانی (حاصلضرب دو تا سه عنوانی در یکدیگر)، جدول عمومی هر سه گروه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی
- ۸۵ - جدول ۲۷ عنوانی (حاصلضرب ۹ عنوان در سه عنوان)، جدول خصوصی هر یک از سه گروه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی
- ۸۶ - لزوم قراردادن موضوعات فلسفی مربوط به سیاست، فرهنگ و اقتصاد در سمت راست جدول و موضوعات عینی در سمت چپ و عناوین فرمایشات امام و رهبری در بالای جدول
- ۸۷ - لزوم قراردادن عناوین فرمایشات امام و رهبری در صدر جدول محتوا
- ۸۸ - استفاده از فرمایشات امام و رهبری برای دستیابی به دسته‌بندی‌های اساسی کل جدول قبل از استفاده از متون وحی

۸۹- لزوم ارائه جدول ساختاری (صفت و موصوفی)، جدول انتزاعی (مضاف و مضاف‌الیه) و جدول نهایی (جدول محتوا)

۹۰- لزوم طبقه‌بندی بیانات امام و رهبری بر اساس جدول محتوا

۹۱- طبقه‌بندی بیانات امام و رهبری به معنای طبقه‌بندی شاخصه‌ها

۹۲- لزوم طبقه‌بندی شاخصه‌ها (طبقه‌بندی بیانات امام و رهبری) به معنای لزوم ارائه سیاست‌های کلی

طبقه‌بندی شده نسبت به موضوعات عینی و کنترل این سیاست‌ها از طریق آوردن شاخصه‌های مربوطه در

جدول تعریف و کنترل آنها

۹۳- لزوم انعکاس بیانات امام و رهبری، موضوعات عینی و موضوعات ساختاری در جدول تعریف

۹۴- لزوم اثبات تناظر دسته‌های بیانات امام و رهبری با دسته‌های عناوین /عینی و ساختاری/ بعد از

انعکاس آنها در جدول تعریف

۹۵- جدول نهایی، انعکاس دهنده عنوان موضوعات در یک سمت و بیانات امام و رهبری در سمت دیگر و

شاخصه‌ها و امور عینی در سمت آخر

۹۶- لزوم تهیه یک جدول دربردارنده عناوین دفتر در یک سمت و امورات عینی در سمت دیگر، بعنوان پیش

درآمد جدول نهایی

فصل یک: مرحله تأمین

۹۷ - امکان تقسیم شدن بیانات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» بر چندین محور بر اساس طبقه بندی موجود دفتر

۹۸ - جسداسازی فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» بر حسب موضوعات کاری گروههای

سیاسی - فرهنگی - اقتصادی

۹۹ - امکان استفاده از طبقه بندیهای انجام شده موجود پیرامون صحیفه نور و فرمایشات رهبری «مدّظله» برای

کار گروهها

۱۰۰ - لزوم نظر استقرایی به منابع فرمایشات امام و رهبری برای تمام کردن مقبولیت ۲۷ عنوان وصف و

موصوفی جدول محتوا در پایان طرح

۱۰۱ - لزوم گردآوری یا استقراء در فرمایشات امام و رهبری و گردآوری موضوعات، فعالیتها و اهداف

۱۰۲ - امکان تهیه یک دسته بندی از فرمایشات امام و رهبری و حذف موضوعات تکراری و معین نمودن

مطالب زیر بخش یک موضوع، در مرحله گردآوری فرمایشات (فرض اول گردآوری فرمایشات امام و

رهبری)

۱۰۳ - امکان کلی گیری از موضوعات فرمایشات امام و رهبری (فرض دوم گردآوری فرمایشات امام و رهبری)

۱۰۴ - لزوم دسته بندی موضوعات فرمایشات امام و رهبری و تعیین عناوین این موضوعات

۱۰۵ - لزوم «تعریف» موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به منظور تجزیه جهات مختلف موضوع بعد از

مرحله گردآوری منابع

۱۰۶ - امکان گردآوری فرمایشات امام و رهبری از طریق دسته بندی الفبایی (مانند دائرة المعارفها و

لغت نامهها) و سپس دسته بندی موضوعی و در نهایت تبدیل به موضوعات کلی تر

۱۰۷ - لزوم دسته بندی کامل فرمایشات امام و رهبری و تعیین صحبت های انجام شده و انجام نشده ایشان، طبق

نظام تعریف

۱۰۸ - لزوم فراموش نشدن حتی یک مورد از فرمایشات امام و رهبری به عنوان مستند

۱۰۹ - لزوم برآورد حجم فرمایشات امام و رهبری (از جمله حجم صفحات و فهرستها) و تعیین سرفصلهای آن

در هر یک از سه موضوع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

۱۱۰ - امکان تفکیک بیانات امام و رهبری با عامترین عناوین؛ یعنی مصداق، اصل و مبنا

۱۱۱ - «اساسها، اصول و مصادیق» در فرمایشات امام و رهبری به ترتیب شبیه «ریشه‌ها، شاخه‌ها و میوه‌های»

یک درخت

۱۱۲ - «اساس، اصول و مصادیق» در فرمایشات امام و رهبری، متناظر با «جهت، استدلال و مصادیق»

۱۱۳ - «اساس، اصول و مصادیق» در فرمایشات امام و رهبری، معرّف «استراتژی، سیاستها و نمونه قانونها» و

معادل با «ظرفیت، ساختار و عاملیت»

۱۱۴ - لزوم ضرب عناوین «اساس، اصول و مصادیق» در اوصاف خاص هر یک از سه موضوع سیاسی، فرهنگی

و اقتصادی

۱۱۵ - لزوم دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری به «اساس، اصول و مصادیق» به عنوان مهمترین و عامترین

دسته‌بندی و امکان طرح آن در انواع موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

۱۱۶ - عدم امکان جای‌دادن فرمایشات امام و رهبری (در حین دسته‌بندی) در طبقات مورد نظر

۱۱۷ - لزوم حضور دو جهت در مرحله تجزیه فرمایشات امام و رهبری، یکی از طرف گردآوری و دیگری از

طرف فلسفه به عنوان ابزار هماهنگی آن

۱۱۸ - لزوم ارائه تعریف و شاخصه هر یک از سه عنوان «اساس، اصول، مصادیق»

۱۱۹ - جایگاه «اساس، اصول و مصادیق»، معادل با «فلسفه، روش و مصادیق عینی»

۱۲۰ - لزوم آوردن مسائل از بیانات امام و رهبری و قراردادن آنها ذیل عناوین موضوعات در جدول فلسفی

۱۲۱ - لزوم خردنمودن و زیرشاخصه‌ها قراردادن بیانات امام و رهبری بعد از قراردادن آنها ذیل عناوین

موضوعات به صورت کلی

۱۲۲ - دستیابی به ۹ اساس، ۹ اصول و ۹ مصادیق پس از ضرب «اساس، اصول و مصادیق» در یکدیگر، با فرض

بیشتر بودن مصادیق نسبت به اصول و اصول نسبت به اساس در فرمایشات امام و رهبری

۱۲۳ - لزوم دستیابی به «استراتژیهای برنامه‌ای»، «سیاستهای برنامه‌ای» و فعالیتهای خاص برنامه‌ای نسبت به

موضوعات خاص از فرمایشات امام و رهبری

۱۲۴ - تناظر «اساس، اصول، مصادیق» با «استراتژیهای برنامه‌ای، سیاستهای برنامه‌ای و مصادیقای عملیات

برنامه» در فرمایشات امام و رهبری

۱۲۵ - لزوم دسته‌بندی بیانات امام و رهبری بر اساس «اصول، مبنا و مصادیق» و تکمیل طبقه‌بندی فلسفی

۱۲۶ - لزوم روش تشخیص و ارزیابی مراحل کار، زمان، نیرو و امکانات مورد نیاز، برای امر تفکیک، دسته‌بندی و استخراج سیاستها بر اساس بیانات امام و رهبری

۱۲۷ - لزوم تجزیه بیانات امام و رهبری بر پایه «مصدق، اصول، اساس» به عنوان عامترین دسته‌بندی

۱۲۸ - «اساس، اصول و مصداق» در بیانات امام و رهبری بیانگر «استراتژی، سیاستها، فعالیتها» بدون معین شدن جایگاه و وزن هر یک

۱۲۹ - لزوم «ترکیب»، پس از طبقه‌بندی اولیه و تجزیه بیانات امام و رهبری

۱۳۰ - مرتبط بودن و نسبت داشتن عناوین مرحله دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری (اساس، اصول، مصداق) با یکدیگر -

۱۳۱ - معین شدن ارتباط و ترتیب عناوین «اساس، اصول، مصداق» در مرحله ایجاد طبقه‌بندی ماتریسی و سطر و ستون بدون معین نشده وزن آنها و متغیر اصلی

۱۳۲ - لزوم قرارگیری عناوین «اساس، اصول و مصداق» در یک نظام تعریف، بعد از تجزیه ماتریسی

۱۳۳ - تقسیم بیانات امام و رهبری به «اساس، اصول و مصداق»، پوشش دهنده تمامی بیانات ایشان

۱۳۴ - ضرب سه عنوان «موضوع، فعالیت و هدف» در «اساس، اصول و مصداق» شاخصه تعیین «موضوعات، فعالیتها و اهداف اساسی، اصولی و مصداقی

۱۳۵ - لزوم توجه به انواع اهداف اساسی، اصولی و مصداقی در فرمایشات امام و رهبری

۱۳۶ - ضرب سه عنوان «موضوع، فعالیت و هدف» در «اساس، اصول و مصداق» شاخصه مناسبی برای دستیابی به دسته‌بندی اولیه بیانات امام و رهبری

۱۳۷ - ضرب «موضوع، فعالیت و هدف» در «اساس، اصول و مصداق» گسترش دهنده دایره شمولیت دسته‌بندی بیانات امام و رهبری

۱۳۸ - نیاز به سه عنوان «موضوع، فعالیت و هدف» علاوه بر «اساس، اصول و مصداق» برای دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری

۱۳۹ - صحت ادعای شمولیت عناوین «اساس، اصول و مصداق» برای دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری

۱۴۰ - تکرار عناوین «اساس، اصول و مصداق» از طریق اضافه یک امر «موضوعات، فعالیتها و اهداف»

۱۴۱ - تمام نبودن سخن از «تناظر به فعل»

۱۴۲ - با حذف «تناظر به فعل»، قابل استفاده شدن «اساس، اصول و مصداق» بعنوان عامترین عناوین

۱۴۳ - امکان واقع شدن مضاف‌الیه دوّم در سه مرحله و یا بیشتر و فعلاً در دو مرحله بمنظور خرد نمودن فرمایشات امام و رهبری

۱۴۴ - انجام دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری از یک طرف و طبقه‌بندی موضوعات از بالا

۱۴۵ - امکان نمایش خانه‌های خالی جدول بعد از دسته‌بندی فرمایشات امام و رهبری از یک طرف و طبقه‌بندی موضوعات از بالا

۱۴۶ - لزوم توانائی آنچه از فلسفه می‌آید برای خوب نشان‌دادن منزلتهایی که آنها را تفکیک و تجزیه می‌کند

۱۴۷ - مهمترین مطلب، در اختیار داشتن عامترین عناوین در مرحله گردآوری

۱۴۸ - مزیت داشتن عناوین «اساس، اصول و مصداق» بر عناوین «برای یا جهت استدلال و مصداق»

۱۴۹ - سخنرانیهای امام و رهبری از نوع سخنرانیهای اجرائی

۱۵۰ - لزوم حذف استدلالات در فرمایشات امام و رهبری در مرحله دستیابی به سیاستها

۱۵۱ - بیان «اصل» از جانب امام و رهبری، نشان دهنده یک اصل اجرائی

۱۵۲ - تقسیم فرمایشات امام و رهبری به «اساس، اصول، مصداق» همان تقسیم به «اصلی، فرعی، تبعی» در

اجراء و تقسیم به «فلسفه، روش، مصداق» در پژوهش

۱۵۳ - جایگزینی «جهت» بجای «فلسفه» در فرمایشات امام و رهبری

۱۵۴ - راهگشا نبودن استدلالات موجود در فرمایشات امام و رهبری برای دستیابی به سیاستهای اجرائی از

طریق فرمایشات امام و رهبری

۱۵۵ - عدم لزوم تسویه بیانات امام و رهبری از استدلالات و مثالها و سپس تقسیم‌بندی آن بیانات به «اساس،

اصول و مصداق»

۱۵۶ - ضرورت تقسیم بیانات امام و رهبری به «ذهنی، روشی و عینی» در ابتدای کار

۱۵۷ - امکان ۲۷ نوع برخورد با یک سخنرانی و اتلاف وقت

۱۵۸ - ترداً للباب مورد دقت قرارگرفتن سایر فرمایشات امام و رهبری بعد از تشخیص «اساس، اصول و

مصداق» در این فرمایشات

۱۵۹ - در ضمیمه آوردن متون فرمایشات امام و رهبری و خط‌کشی زیر قسمتهای مبین «اساس، اصول و

مصداق»

۱۶۰ - عدم نیاز به استدلالات در فرمایشات امام و رهبری به علت اجرائی بودن کار

- ۱۶۱ - عدم ضرورت تسویه استدلالات از فرمایشات امام و رهبری بعلت تسویه خود به خود آنها هنگام خط کشی زیر قسمتهای مبین «اساس، اصول، مصداق»
- ۱۶۲ - مرحله تأمین همان مرحله استقراء یا گردآوری و تتبع در عینیت نه در فلسفه
- ۱۶۳ - تفاوت داشتن محصول، با سخن گفتن از «اساس، اصول و مصداق»
- ۱۶۴ - سخن از «اساس، اصول و مصداق» هنگام دستیابی به سیاستهای اجرایی
- ۱۶۵ - لزوم مورد نظر قرارداد بیان امام و رهبری بعنوان یک امر عینی به علت استناد در عینیت به مقبولیت و تکیه مقبولیت به این بیانات
- ۱۶۶ - تقسیم بیانات امام و رهبری از طریق سه دسته بندی «اساس، اصول، مصداق»
- ۱۶۷ - لزوم ملاحظه نسبت فرمایشات دسته بندی شده امام و رهبری بر پایه «اساس، اصول و مصداق» با جدول جامعه و ارائه تقسیمات داخلی آن
- ۱۶۸ - تجزیه بیانات امام و رهبری، محور دوم فعالیت گروهها
- ۱۶۹ - لزوم ارزیابی لازم نسبت به نیرو، امکانات، هزینه و زمان مورد نیاز در محور تجزیه بیانات امام و رهبری
- ۱۷۰ - لزوم تعیین تعداد عناوین و حجم کمی بیانات امام و رهبری و فهرست آنها در هر یک از موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی
- ۱۷۱ - عدم لزوم صرف وقت بر روی متن بیانات امام و رهبری در ابتدای کار
- ۱۷۲ - لزوم دقت و صرف وقت در ابتدای کار بر روی فهرست بیانات مربوط به موضوع فعالیت هر یک از گروهها
- ۱۷۳ - لزوم تعیین موضوعات تکراری (عناوین شبیه به یکدیگر هم به لحاظ محتوای موضوعی و هم دستوری) پس از دقت بر روی فهرست بیانات مربوط به هر یک از گروهها
- ۱۷۴ - بیان یک نمونه از موضوع تکراری در بیانات امام و رهبری
- ۱۷۵ - اجتناب ناپذیر بودن عمل جمع آوری و خلاصه کردن بیانات امام و رهبری
- ۱۷۶ - جمع آوری و خلاصه کردن بیانات امام و رهبری به نحو اجمال در فهرستها در ابتدای این کار
- ۱۷۷ - عدم لزوم فیش برداری از بیانات امام و رهبری در ابتدای کار جمع آوری و خلاصه کردن این بیانات
- ۱۷۸ - لزوم تعیین سرفصلها (ارتکازی عرف و معین شده توسط تنظیم کنندگان بیانات امام و رهبری) متناسب با موضوعات آورده شده، پس از جمع آوری و خلاصه کردن بیانات امام و رهبری از طریق فهرستها

- ۱۷۹ - لزوم نظر نداشتن به سرفصلهای مورد نظر فرهنگستان در ابتدای کار بر روی فرمایشات امام و رهبری
- ۱۸۰ - لزوم رجوع به سرفصلهای مورد نظر فرهنگستان در مراحل بعدی کار بر روی فرمایشات امام و رهبری
برای تشخیص و شمارش موضوعات قسیم و هم عرض غیر تکراری
- ۱۸۱ - لزوم فیش برداری بعد از جمع آوری عناوین (سرفصلها) از فرمایشات امام و رهبری
- ۱۸۲ - لزوم بکارگیری نیروهای کیفی برای به وحدت رساندن عناوین (سرفصلهای) فرمایشات امام و رهبری از طریق معین نمودن ما به الاشتراک عناوین تحت یک عنوان کلی
- ۱۸۳ - به وحدت رساندن عناوین (سرفصلهای) فرمایشات امام و رهبری، به عنوان یک تنظیم شبکه‌ای نه یک تنظیم انتزاعی
- ۱۸۴ - امکان تعیین محورهای اساسی و اصلی بیانات امام و رهبری از طریق تنظیم شبکه‌ای (به وحدت رساندن عناوین) فرمایشات امام و رهبری
- ۱۸۵ - لزوم ارزیابی نیرو و امکانات مورد نیاز به موازات تنظیم شبکه‌ای (به وحدت رساندن عناوین) فرمایشات امام و رهبری به منظور تعیین مقدار زمان و تعداد نیرو
- ۱۸۶ - لزوم همزمانی تنظیم فهرست و نظام عناوین با دستور استخراج سیاستها از متن بیانات امام و رهبری
- ۱۸۷ - امکان استخراج سیاستها از بیانات امام و رهبری به چند شیوه
- ۱۸۸ - تعیین یک گروه و استخراج سیاستها از بیانات امام و رهبری با همفکری یکدیگر، ساده‌ترین شیوه استخراج سیاستها از فرمایشات امام و رهبری
- ۱۸۹ - جداسازی فرمایش مورد نظر از متن فرمایشات امام و رهبری و خط کشیدن زیر قسمت مورد نظر و چسباندن آن روی کاغذ به منظور آماده‌سازی متن بیانات ایشان برای استفاده در مراحل بعدی، بعنوان یک شیوه استخراج سیاستها از فرمایشات امام و رهبری
- ۱۹۰ - امکان نیاز به گرفتن تصویر از بعض صفحات فرمایشات امام و رهبری در مرحله استخراج سیاستها از این فرمایشات و لزوم انجام آن در صورت نیاز
- ۱۹۱ - لزوم تعیین بیانات حضرت امام و رهبری در مقام تأمین محصول
- ۱۹۲ - وجود مواضع بیانات حضرت امام و رهبری در صحیفه نور و کتب مشابه
- ۱۹۳ - شروع کار گروهها از مرحله جداسازی و انتخاب بیانات امام و رهبری و تقطیع متون این بیانات

۱۹۴ - امکان یافتن ارائه بیانات امام و رهبری مربوط به موضوع سیاست یا هر موضوع مورد نظر، از طریق

جداسازی و انتخاب این بیانات و تقطیع متون آن

۱۹۵ - طبیعی بودن وجود آدرس همراه متن ولی مستندسازی نبودن صرف ارائه آدرس

۱۹۶ - عدم کفایت ارائه آدرس بدون مستندسازی موضوعات به متن فرمایشات امام و رهبری

۱۹۷ - ضرورت خلاصه کردن بیانات امام و رهبری به منظور مستندسازی موضوعات به متن فرمایشات امام

و رهبری

۱۹۸ - لزوم اثبات تواتر مفهومی بوسیله خلاصه بیانات امام و رهبری

۱۹۹ - آوردن یک جمله از بیانات امام و رهبری و توضیح یک نویسنده در یک پاراگراف در مورد آن جمله (مثلاً

توضیح موضع گیری حضرت امام در ۲۸۰ مورد علیه استکبار)، ابتدای شیوه کار خلاصه کردن این بیانات

۲۰۰ - ارائه خلاصه ای از کل مواضع امام و رهبری در یک موضوع (مانند استکبار) به وجود آورنده یک ترکیب

جدید در جملات امام و رهبری

۲۰۱ - لزوم انتخاب برجسته ترین کلمه از هر فیش و حذف جملات تکراری از آن، هنگام ارائه ضمیمه

۲۰۲ - لزوم ارائه پاراگراف خلاصه بیانات امام و رهبری در هر موضوع همراه با آدرس مورد نظر و حذف

عبارات تکراری و چنین کلمات برجسته کنار یکدیگر بعد از کار روی هر فیش

۲۰۳ - صحت ادعای بیان «سیاست» همراه «مستند» آن در صورت ارائه خلاصه بیانات امام و رهبری همراه با

آدرس مورد نظر و حذف عبارات تکراری و چنین کلمات برجسته کنار یکدیگر

۲۰۴ - خصوصیت شیوه ارائه خلاصه بیانات امام و رهبری همراه با آدرس مورد نظر، به جمع شدن تمامی

استنادها یک جا و انتقال آن به ضمیمه

۲۰۵ - آوردن تک جمله ای از بیانات امام و رهبری تحت یک عنوان درشت و سپس انتقال پاراگراف مربوط به

خلاصه کل بیانات آن فصل به ضمیمه، شیوه انتقال مستندات به ضمیمه

۲۰۶ - حسن انتقال مستندات به ضمیمه، به درصدد بودن تنظیم کتاب یا جزوه مشتمل به عناوین سیاست و لذا

نیاوردن بیش از جمله ذیل عنوان کلی

۲۰۷ - به درازا کشیده شدن مباحث کتاب مشتمل بر عناوین سیاست و خارج شدن آن از حالت فهرست در

صورت آوردن پاورقی برای هر عنوان

۲۰۸ - امکان حفظ قالب فهرست نظام عناوین و ساختار کتاب سیاستهای استخراج شده از فرمایشات امام و

رهبری در صورت انتقال متون این فرمایشات به ضمیمه و تنها آوردن یک جمله ذیل هر عنوان

۲۰۹ - لزوم بررسی ربط تلخیص بدست آمده از بیانات امام و رهبری بر اساس ارتکازات موجود با موضوعات

عینی و تناظر برقرارکردن بین این دو و اوصاف فلسفی

۲۱۰ - عدم لزوم دسته بندی عینی موضوع خارجی، به سه تا سه تا

۲۱۱ - لزوم دستیابی به دسته بندی عینی موضوع خارجی بصورت استقرایی و با قاعده منطقی انتزاعی (یعنی

مشابهت و اشتراک در یک خصوصیت)

۲۱۲ - عدم اشکال استفاده از دسته بندی انتزاعی در مورد بیانات امام و رهبری و قراردادن عناوین انتزاعی

بر آنها

۲۱۳ - قابل قبول بودن دسته بندی انتزاعی در مورد بیانات امام و رهبری، به عنوان محصول مورد پذیرش

مرحله اول

۲۱۴ - لزوم ارائه یک دسته بندی عینی و انتزاعی از فرمایشات امام و رهبری و یک دسته بندی عینی از

موضوعات جاری جامعه، در مرحله اول گردآوری

۲۱۵ - تفاوت داشتن دسته بندی به «اساس، اصول، مصداق» با دسته بندی عینی و انتزاعی در مورد بیانات امام

و رهبری و موضوعات جاری جامعه

۲۱۶ - دسته بندی انتزاعی در مورد بیانات امام و رهبری، مشخص کننده بیانات برای انتخاب «اساس، اصول،

مصداق» از میان آنها

۲۱۷ - تقسیم بندی به «اساس، اصول و مصداق» پل تبدیل مرحله گردآوری به مرحله تجزیه فرمایشات امام و

رهبری نه به عنوان جزئی از مرحله گردآوری

۲۱۸ - نیاز به تقسیم بندی «اساس و اصول و مصداق» در مورد فرمایشات امام و رهبری در مرحله تجزیه

این فرمایشات

۲۱۹ - اختلاف حجم بیانات امام و رهبری در سه بُعد «سیاست، فرهنگ و اقتصاد»، تأثیرگذار در تخصیص

بودجه و امکانات به هریک از سه گروه «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی»

۲۲۰ - تفکیک بیانات امام و رهبری بر پایه «اساس، اصول و مصداق»، مقدمه استفاده بهینه از جدول تعریف

برای طبقه بندی این بیانات

- ۲۲۱ - مثالها در بیانات امام و رهبری، بیانگر «مصدق» در این بیانات
- ۲۲۲ - اصول و قواعد در بیانات امام و رهبری، بیانگر «اصول» در این بیانات
- ۲۲۳ - اختصاص به یک موضوع خاص نداشتن، شاخصه «اساس» در بیانات امام و رهبری
- ۲۲۴ - اختصاص به موضوعات خاص نداشتن، شاخصه «اصول» در بیانات امام و رهبری
- ۲۲۵ - نمونه یا نمونه‌های یک دسته از موضوعات بودن، شاخصه «مصادیق» در بیانات امام و رهبری
- ۲۲۶ - «اساس» در بیانات امام و رهبری، محور ارزیابی کلیه موضوعات
- ۲۲۷ - تشخیص جایگاه هر یک از بیانات امام و رهبری در محورهای اساسی، با تعریف «اساس» به محور ارزیابی کلیه موضوعات
- ۲۲۸ - لزوم دقت در بیانات امام و رهبری خطاب به قشر خاصی از جامعه در دسته‌بندی آنها به «اساس، اصول و مصداق»
- ۲۲۹ - در دسته «اساس» قرارگرفتن بیانات امام و رهبری مورد خطاب یک قشر خاص اما دارای یک موضع سیاسی
- ۲۳۰ - در دسته «اصول» قرارگرفتن بیانات امام و رهبری مورد خطاب خاص یک قشر خاص
- ۲۳۱ - محور «تأمین»، دارای اولین تقسیمات ساده
- ۲۳۲ - امکان کار با سه اصل «اساس، اصول و مصداق» برای تأمین محتوا از بیانات امام و رهبری
- ۲۳۳ - عناوین «اساس، اصول و مصداق»، مربوط به کار بر روی فرمایشات امام و رهبری
- ۲۳۴ - لزوم استفاده از فهرستهای موجود از بیانات امام و رهبری برای استخراج سیاستها از این بیانات، بدون تهیه فهرست جدید و فیش‌برداری از کل این بیانات
- ۲۳۵ - ضرورت وجود «مستندات» از بیانات امام و رهبری، از امور عینی و از ساختار موردنظر
- ۲۳۶ - لزوم ارائه بیانات امام و رهبری در ضمیمه، زیر هر عنوان، هرچند به صورت فهرست و رجوع به صفحات صحیفه نور و امثال آن

فصل ۵۰: مرحله تجزیه

- ۲۳۷ - بررسی شقوق و شاخه‌های پس از کار بر روی بیانات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» در محورهای گوناگون
- ۲۳۸ - امکان طبقه‌بندی فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبری «مدّظله» با استفاده از جدول ماتریس
- ۲۳۹ - بررسی دقیق‌تر صحیفه نور و فرمایشات رهبری «مدّظله» در مرحله ضرب شده «ارزش، فکر، هنر» در «موضوعات، فعالیتها و اهداف» (ج ۳ - ص ۲)
- ۲۴۰ - عدم نیاز بیشتر از «ماتریس» در مرحله تجزیه فرمایشات امام و رهبری
- ۲۴۱ - «مصدق - استدلال - مبنا» متناظر با «مصدق - اصول - جهت‌گیری اساسی» در تقسیم‌بندی فرمایشات امام و رهبری
- ۲۴۲ - حاکم بودن بر اصول و مصادیق، شاخصه «جهت‌گیری اساسی» و مصداقی نبودن و بیانگر یک عنوان کلی بودن، شاخصه «اصول»
- ۲۴۳ - اضافه سطر و ستون به یکدیگر، معین‌کننده عناوین «اصلی، فرعی و تبعی» در فرمایشات امام و رهبری
- ۲۴۴ - ضرب «موضوع، فعالیت و هدف» در «اساس، اصول و مصداق» در مرحله تجزیه فرمایشات امام و رهبری

فصل سه: مرحله ترکیب

۲۴۵ - مرحله ترکیب فرمایشات امام و رهبری، مرحله شروع پیدایش مدل

۲۴۶ - لزوم وزن داشتن موضوعات نسبت به یکدیگر و چگونگی تبدیل «۲۷» به «۱۳ و ۹» در مرحله ترکیب

۲۴۷ - لزوم قرارگیری فرمایشات امام و رهبری در ستون «عناوین و موضوعات» و موضوعات در ستون

«شاخصه‌ها»

۲۴۸ - لزوم تبدیل عناوین مربوط به هم، به عناوین یک نظام در مرحله ترکیب به معنای معلوم بودن متغیر اصلی

و فرض داشتن معنای «اگر و آنگاه» و وسیله کنترل قرارگرفتن هرچند به صورت فرضی

۲۴۹ - لزوم ارائه ۸۱ عنوان بعد از آوردن «اساس، اصول، مصداق» برابر با ۲۷ عنوان موجود در جدول تعریف

۲۵۰ - امکان استفاده از عناوینی همچون «اصلی، فرعی و تبعی»، هنگام ارائه ۸۱ عنوان در جدول تعریف

۲۵۱ - لزوم استفاده از عامترین دسته‌بندی برای استخراج سیاستها از فرمایشات امام و رهبری

«پیوست»

مستندات اصول و شاخصه‌های نحوه استخراج سیاستهای کلی نظام از فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله)

بخش اول: بررسی محتوای استخراج سیاستهای کلی

- ۱- از دیگر منابعی که باید مورد رجوع شما باشد سخنان حضرت امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری و آن دسته از منابعی است که در خود مجمع موجود می‌باشد و همواره مورد رجوع اعضای کمیسیونها می‌باشد. (ج ۱ - ص ۹)
- ۲- برای انجام کار نیز شکل کار بدین منوال خواهد بود که هر یک از گروهها به تناسب موضوع فعالیت خود به مستندسازی بر اساس بیانات امام راحل و مقام معظم رهبری می‌پردازند. (ج ۱ - ص ۱۰)
- ۳- سیاستهای مقام معظم رهبری، سیاستهای فلسفی و تئوری و نظری و یا سیاستهای فرهنگی و کتابخانه‌ای نیست بلکه سیاستهای اجرایی و برنامه‌ای می‌باشد؛ یعنی سیاستهایی که باید بر اساس آن برنامه‌ریزی شود. (ج ۲ - ص ۵)
- ۴- هر سه گروه لازم است بعد از طبقه‌بندی و تنظیم عناوین فهرست سیاستهای کلی نظام، آن را به فرمایشات امام و مقام معظم رهبری مستند نمایند. (ج ۲ - ص ۱۷)
- ۵- به صورت عملی نیز عناوین شما به موضوعات خود فرمایشات از ۹ تا ۸۱ محور مستند می‌شود و بصورت مدل تقریبی ارائه می‌گردد که بعد هم در عینیت با بکارگیری مدل عینی از حالت تقریبی نیز در خواهد آمد. (ج ۲ - ص ۱۷ و ۱۸)
- ۶- باید موضوعات فعالیتها، خود فعالیتها (سیاستها) و اهداف آن از فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) استخراج شود. به عنوان مثال وقتی لفظ «روحانی» بیان می‌شود در واقع موضوع فعل روحانی غیر از موضوع فعل دانشگاهی است، همچنین فعالیتهای تهذیبی (فعل و ارزش) غیر از فعالیتهای فکری است. (ج ۳ - ص ۲)

۷- پس برای سه امر زیر مستند لازم است:

۱- طبقه‌بندی موضوعات سیاست

۲- سیاستگذاری

۳- غایت سیاستگذاری

در اینجا سیاست، رابطه بین موضوع و غایت است، سیاست فعل و برنامه است. (ج ۳ - ص ۲)

۸- در طبقه‌بندی موضوعات نیز خود موضوع سیاست می‌تواند جداگانه موضوع دقت قرارگیرد. مثلاً هرگاه

در فرمایشات این دو بزرگوار یک سیاست بیان می‌شود می‌توان موضوع آنرا نیز معین نمود. (ج ۳ - ص ۲)

۹- باید بگونه‌ای عمل شود که سیاستهای اعلام شده به فرمایشات امام (ع) و رهبری (حفظه‌الله)

تطبیق شود. (ج ۳ - ص ۴)

۱۰- اگر تنها دسته‌بندی کلی فرمایشات امام (ع) و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) مطرح باشد، دیگران بهتر از

این را انجام داده‌اند؛ لذا مهم این است که بنا به ادعایی که اعلام شده است، بتوان آن را مدل‌مند

طبقه‌بندی نمود. (ج ۳ - ص ۹)

۱۱- حال مجدداً اعلام می‌گردد باید سیاستهای اجرائی نظام در پایان ارائه شود. این سیاستهای اجرایی باید

مستند شود. مستند معقول آن، نظام تعریف و فلسفه آن است. به عنوان نمونه، روش حاکم بر «جدول

جامعه» همین جدول نظام تعریف است و عناوین آن مربوط به جامعه می‌باشد. مستند منقول آن،

فرمایشات امام (ع) و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) است. (ج ۳ - ص ۹)

۱۲- اکنون برای سرعت در کار، می‌توانید نیروهای زیادی را استخدام نموده و حتی با بنده جلسات محدودی

برگزار نمایید، اما حداقل این است که بتوانید در پایان شش ماه سیاستهای نظری فرمایشات امام (ع) و

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) را به صورت مدل‌مند ارائه نموده تا برای شش ماه بعد نیز بتوانید

سیاستهای اجرایی را تنظیم نمایید. (ج ۳ - ص ۱۰)

۱۳- اگر از ما ۲۷ عنوان مربوطه را بخواهید می‌گوییم منظور از آنها همان عناوین کلی است که بصورت صفت

و موصوف بوده و بر ۸۱ شاخصه حاکم است. (ج ۵ - ص ۱۳ چاپ اولیه)

۱۴- اگر بگویید: «آنها را باید از کجا بدست آورد؟» می‌گوییم: از نظام فلسفی خودتان و بیانات حضرت

امام (ع) و مقام معظم رهبری «مدظله». (ج ۵ - ص ۱۳ چاپ اولیه)

- ۱۵ - مثلاً نحوه تفکیک بیانات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری «مدظله» بر محور موضوعات طبقه‌بندی «دفتر» چگونه است (ج ۷ - ص ۱)
- ۱۶ - چگونه می‌توان بیانات آن بزرگواران را در خانه‌های جدول ۲۷ عنوانی جای داد تا مشخص شود که کدامیک از خانه‌ها پر می‌شود و کدامیک خالی می‌ماند؟ (ج ۷ - ص ۱)
- ۱۷ - یا این سؤال که اگر فرضاً این تفکیک انجام شود و جای هر یک از بیانات در خانه‌های جدول مشخص گردد، دسته‌بندی آنها چگونه خواهد بود؟ (ج ۷ - ص ۱)
- ۱۸ - مثلاً اگر قرار باشد از این بیانات، «سیاستها» استخراج شود، چون بیانات مربوط به سیاست در یک سطح و مرتبه نیستند و بعضی استراتژی و برخی سیاستهای اجرایی را بیان می‌کنند، لذا باید سطوح مختلفی برای این سیاستها بیان گردد. (ج ۷ - ص ۱)
- ۱۹ - طبعاً سطح‌بندی سیاستها غیر از طبقه‌بندی مربوط به موضوع مورد نظر در نظام عناوین می‌باشد. (ج ۷ - ص ۱)
- ۲۰ - مطلوب این است که عناوین سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به صورت «منقول» و «معقول»، مستند گردد. چه اینکه فعلاً در مستند منقول با بیانات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری «مدظله» سروکار داریم و در مستند معقول با مباحث «دفتر». (ج ۸ - ص ۳ و ۲)
- ۲۱ - مثلاً اگر از بیانات حضرت امام علیه السلام در موضوع سیاست سخن می‌گویید، در واقع چند مضاف و مضاف‌الیه را به دنبال هم آورده‌اید. در اینجا سخن از وصف و موصوف نیست. اما زمانی که تعریفی را برای سیاست ارائه می‌دهید و در صدد جمع‌آوری بیانات سیاسی حضرت امام علیه السلام در موضوع سیاست برمی‌آیید، این موضوع یک موضوع فلسفی می‌شود. (ج ۸ - ص ۴)
- ۲۲ - در هر حال ما با یک صفت و موصوف در مرحله تأمین مواد و یک مضاف و مضاف‌الیه و بالاخره یک نسبت بین این دو امر که همان محصولمان است سروکار داریم؛ (ج ۸ - ص ۴)
- ۲۳ - به تعبیر بهتر در این حال می‌توان از سه امر یعنی وصف فلسفی، مضاف‌الیه موضوع خارجی و روش تنظیم نسبت بین وصف فلسفی و موضوع خارجی سراغ گرفت. این سه کلی‌ترین تقسیمی است که نسبت به هر محصولی می‌توان ارائه داد. (ج ۸ - ص ۴)
- ۲۴ - بنابراین مشخص شد که گروه اقتصادی باید به ارائه یک جدول ۲۷ عنوانی با پشتوانه لازم آن پردازد. (ج ۹ - ص ۱۶)

- ۲۵ - از این جدول ۲۷ مطلب با عناوین اقتصادی به دست می‌آید که وقتی در جزوه قرار می‌گیرد به عنوان عناوین اقتصادی سیاستگذاری معرفی می‌شود. (ج ۹ - ص ۱۶)
- ۲۶ - قطعاً یک دسته از این عناوین به عنوان عناوین اساسی و سیاستهای کلی نظام که در نظر شما چنین جایگاهی داشته‌است، تعریف می‌شود. سپس ذیل این عناوین باید سرفصلهای کوچکتری را قرارداد و در اینجا از عناوین اقتصادی اصولی نظام یاد می‌شود. اما زمانی که به مصادیق می‌رسید باید عناوین خاص آن را ذکر کنید. (ج ۹ - ص ۱۶)
- ۲۷ - مثلاً از بیمه، بانک، صنعت و اموری از این قبیل یاد کنید و آنها را به صورت عناوین اقتصادی فلان بخش نام می‌برید؛ لذا دیگر از آنها به عنوان مصادیقی نام نمی‌برید. (ج ۹ - ص ۱۶)
- ۲۸ - اما هرکدام از این عناوین دارای یک پشتوانه از بیانات حضرت امام علیه السلام یا مقام علیه السلام معظم رهبری «مدظله» است که با شماره‌گذاری دقیق جدول می‌توانید ذهن مخاطب خود را در ضمائم به این بیانات متوجه کنید. (ج ۹ - ص ۱۶ و ۱۷)
- ۲۹ - حال اگر شما صدها سخن از رهنمودهای حضرت امام علیه السلام یا مقام معظم رهبری «مدظله» را نیز استخراج کنید، آنگاه باید بتوانید ۲۷ عنوان و ۸۱ شاخصه را از این بیانات به دست آورید. (ج ۱۴ - ص ۶)
- ۳۰ - موضوع قرارداد را می‌توانید ارائه جدول محتوا که مستند به بیانات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری «مدظله» است، معرفی نمایید. (ج ۱۴ - ص ۱۴)
- ۳۱ - البته مناسب است که پس از عبارت «تنظیم جدول محتوا، مستنداً به بیانات آن بزرگواران»، این عبارت را نیز بیاورید: «ناظر بر موضوعات عینی (وزارتخانه‌ها)». به تعبیر بهتر موضوع قرارداد چنین است: «تنظیم ۲۷ عنوان وصف و موصوفی در بخش سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی مستند به بیانات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری «مدظله» همراه با ۸۱ شاخصه ناظر بر موضوعات عینی (وزارتخانه‌ها)». (ج ۱۴ - ص ۱۴)

بخش دوم: جدول تعریف یا مدل استخراج سیاستهای کلی و مراحل تنظیم آن

- ۳۲ - طبقه‌بندی فرمایشات امام و رهبری نیز بدون مدل تئوری ممکن نیست. (ج ۲ - ص ۱۵)
- ۳۳ - اگر مدل مند، فرمایشات ایشان را طبقه‌بندی ننمایید دیگران طبقه‌بندی شما را نخواهند پذیرفت. (ج ۲ - ص ۱۵)
- ۳۴ - در این رابطه در بحث تحلیل موضوعات برنامه حوزه نیز بیان شد که بدون تعریف طبقه‌بندی ممکن نیست. هر تعریفی که استخراج شود مسلماً بر اساس یک دستگاه خاص می‌باشد. تا تعریف آموزش، پژوهش، هنر، اخلاق، فقه و... معین نشود، نمی‌توان فرمایشات ایشان را طبقه‌بندی نمود. (ج ۲ - ص ۱۷)
- ۳۵ - به صورت عملی نیز عناوین شما به موضوعات خود فرمایشات از ۹ تا ۸۱ محور مستند می‌شود و بصورت مدل تقریبی ارائه می‌گردد که بعد هم در عینیت با بکارگیری مدل عینی از حالت تقریبی نیز در خواهد آمد. (ج ۲ - ص ۱۷ و ۱۸)
- ۳۶ - به صورت عملی نیز عناوین شما به موضوعات خود فرمایشات از ۹ تا ۸۱ محور مستند می‌شود و بصورت مدل تقریبی ارائه می‌گردد که بعد هم در عینیت با بکارگیری مدل عینی از حالت تقریبی نیز در خواهد آمد. (ج ۲ - ص ۱۷ و ۱۸)
- ۳۷ - بعد مرحله دقیقتر این است که با ضرب شده «ارزش، فکر، هنر» در «موضوعات، فعالیتها و اهداف» مجدداً صحیفه نور و فرمایشات رهبری (حفظه الله) بررسی شود، بگونه‌ای که هریک از سه گروه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ۲۷ عنوان کلی و ۸۱ عنوان موضوعی از صحیفه نور و فرمایشات رهبری (حفظه الله) بدست آورند تا بعد بتوانند عوامل متغیر درونی هریک از این عناوین را طرح نمایند. (ج ۳ - ص ۳ و ۲)
- ۳۸ - اگر نتوان عناوین فوق را در جدول تعریف قرارداد، به معنای این است که برای کنترل آن نیز نمی‌توان شاخصه‌ای ارائه نمود. ابتدائاً بایستی مدل تئوری و نظری مطلوب درست شود. (ج ۳ - ص ۳)
- ۳۹ - اگر نتوان عناوین فوق را در جدول تعریف قرارداد، به معنای این است که برای کنترل آن نیز نمی‌توان شاخصه‌ای ارائه نمود. ابتدائاً بایستی مدل تئوری و نظری مطلوب درست شود. (ج ۳ - ص ۳)

۴۰ - در اینجا نیز اگر ظهورات ابتدایی در کلام امام (علیه السلام) و رهبری (حفظه الله) مقنن نشده و نظام پیدانکنند، در این صورت هرچند این ظهورات متشکلت نیست، اما در نظر کسی که استنباط می کند، متشکلت می نماید و به تعبیر بهتر متشکلت استفاده می کند. (ج ۳ - ص ۳)

۴۱ - منظم استفاده کردن به این است که کلام ایشان و نظام استنباط متعاضد یکدیگر باشند. (ج ۳ - ص ۳)

۴۲ - هدف نهایی ما این است که با تولید «مدل کنترل عینیت»، «سیاستهای اجرایی جهت دار اسلامی» مشخص شود. اما مرحله قبل از این، «مدل کنترل کیفیت» یا «مدل نظری» است که در آن جامعه مطلوب و جایگاه مطلوب عناوین آن ترسیم می شود. برای این منظور مستندات نیاز است:

۱- مستند معقول (منطقی) که فلسفه ما می باشد.

۲- مستند مقبول که فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) می باشد؛ زیرا باید در این موضوع کسانی از جانب دین سخن گفته باشند.

پس این مستندات بایستی ابتدا به مدل نظری مطلوب تبدیل شوند. (ج ۳ - ص ۵)

۴۳ - هدف نهایی ما این است که با تولید «مدل کنترل عینیت»، «سیاستهای اجرایی جهت دار اسلامی» مشخص شود. اما مرحله قبل از این، «مدل کنترل کیفیت» یا «مدل نظری» است که در آن جامعه مطلوب و جایگاه مطلوب عناوین آن ترسیم می شود. برای این منظور مستندات نیاز است:

۱- مستند معقول (منطقی) که فلسفه ما می باشد.

۲- مستند مقبول که فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) می باشد؛ زیرا باید در این موضوع کسانی از جانب دین سخن گفته باشند.

پس این مستندات بایستی ابتدا به مدل نظری مطلوب تبدیل شوند. (ج ۳ - ص ۵)

۴۴ - هدف نهایی ما این است که با تولید «مدل کنترل عینیت»، «سیاستهای اجرایی جهت دار اسلامی» مشخص شود. اما مرحله قبل از این، «مدل کنترل کیفیت» یا «مدل نظری» است که در آن جامعه مطلوب و جایگاه مطلوب عناوین آن ترسیم می شود. برای این منظور مستندات نیاز است:

۱- مستند معقول (منطقی) که فلسفه ما می باشد.

۲- مستند مقبول که فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) می باشد؛ زیرا باید در این موضوع کسانی از جانب دین سخن گفته باشند.

پس این مستندات بایستی ابتدا به مدل نظری مطلوب تبدیل شوند. (ج ۳ - ص ۵)

۴۵ - بنابر آنچه تاکنون بیان شد، تا پایان کار انتظار است که در قسمت معقول جدول تعریفی مرگب از ۲۷

عنوان کلی (وصف و موصوف) و ۸۱ عنوان شاخصه (مضاف و مضاف الیه) ارائه گردیده به گونه‌ای که در آن عوامل درون‌زا و برون‌زای تعریف وضعیت سیاست در جامعه بیان شده باشد. در قسمت منقول نیز به فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) مستند شده باشد. (ج ۳ - ص ۷)

۴۶ - از طرفی دیگر تنها با استخراج سیاست‌های کلی نظام از فرمایشات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله)، سیاست‌های اجرایی بدست نمی‌آید. (ج ۳ - ص ۸)

۴۷ - گروهها باید برای طبقه‌بندی فرمایشات ایشان، جدول مدل مند تهیه کنند و در غیر این صورت نمی‌توانند در کمیسیونها موفق باشند. (ج ۳ - ص ۸ و ۹)

۴۸ - در ضمن باید تطبیق به مدل و تطبیق به فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) به عنوان دو محور همزمان انجام گیرد؛ زیرا زمان این کار بسیار محدود است. (ج ۳ - ص ۹)

۴۹ - در ضمن باید تطبیق به مدل و تطبیق به فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) به عنوان دو محور همزمان انجام گیرد؛ زیرا زمان این کار بسیار محدود است. (ج ۳ - ص ۹)

۵۰ - اگر تنها دسته‌بندی کلی فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) مطرح باشد، دیگران بهتر از این را انجام داده‌اند؛ لذا مهم این است که بنا به ادعایی که اعلام شده است، بتوان آن را مدل مند طبقه‌بندی نمود. (ج ۳ - ص ۹)

۵۱ - بنابراین هرچند تنها استخراج سیاست‌های نظام از فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) را از شما خواسته‌اند، اما اگر نتوانید سیاست‌های اجرایی مدل مند و جهت دار را تحویل دهید، اثر بسیار منفی بدنبال خواهد داشت، آنهم با توجه به اینکه در ابتدای کار فهرست سیاست‌های نظام را بگونه‌ای تنظیم کرده‌اید که در آن جهت و مدل به نسبت نمایان بوده است. (ج ۳ - ص ۹ و ۱۰)

۵۲ - در اینجا برای توضیح بیشتر سه فرض بیان می‌شود:

۱- ساده‌ترین فرض این است که فهرست فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) از دیسکت استخراج شده و «موضوعات، افعال و اهداف» در سه بخش بیان شود و سپس نسبت به هر یک از سه بخش کلی‌گیری شود و در نهایت کلی‌ترین «موضوع، فعل و هدف» با زیربخش‌های آن معلوم گردد. این فرض ابداً با ادعای تنظیم سیاست‌های اجرایی قابل جمع نیست. (ج ۳ - ص ۱۰)

۵۳ - باید به این نکته توجه نمود که مسئولین دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت با برنامه عملیات و شیوه‌های طبقه‌بندی فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» آشنا می‌باشند. اینگونه نیست که کارشناسی ندیده باشند و یا کلیاتی را صرفاً به دلیل اسلامی بودن بپذیرند هر چند به «کنترل عینیت» کار نداشته باشد. در واقع ابزار کنترل عینیت را از ابزاری که به کلیات ختم می‌کند، تمیز می‌دهند. (ج ۴ - ص ۱۶)

۵۴ - به عبارت ساده چرا کارشناسها جرأت می‌کنند که بگویند: «فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» و کلیات دین، قابل اجرا نیست؟» حال شما می‌گویید: ما ابزار و مجرای جریان همین فرمایشات را آورده‌ایم؛ لذا آنها از شما مجرای جریان می‌خواهند اینک شعری به آنها تحویل دهید. (ج ۴ - ص ۱۶)

۵۵ - به عنوان نمونه جناب آقای مسجدی، توانسته بود از فرمایشات مقام معظم رهبری «مدظله»، موضوعات کلی را استخراج نموده و برای آن روند نیز تعریف کرده و سپس منحنی آنرا کشیده بود؛ اما نتوانسته بود برای آن «عامل متغیر» تعریف نماید. (ج ۴ - ص ۱۶)

۵۶ - اما در پروژه «مجمع تشخیص مصلحت» برای ما کاملاً روشن است که می‌خواهیم نظام مدل متغیرهای «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» را در جامعه بدست آوریم لذا برای رسیدن به این نقطه ابتدائاً باید به بررسی مدل مطلوب پردازیم تا براساس آن بتوانیم به بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» استناد نمود و در نهایت آن را در یک قالب اجرایی تعریف کرد و کمیت عینی را در آن قرارداد. (ج ۵ - ص ۹ چاپ اولیه)

۵۷ - طبیعی است تنظیم آنها نیز براساس «نظام مدل طرح» امکانپذیر است. (ج ۵ - ص ۱۳ چاپ اولیه)

۵۸ - اگر از ما «مراحل» آن را بخواهید می‌گوییم ابتدائاً باید به گردآوری و در مرحله بعد به ساده‌دیدن موضوعات بصورت ماتریسی پرداخت و سپس ربط آنها را بصورت نظام ولایت مشاهده کرد. (ج ۵ - ص ۱۳ چاپ اولیه)

۵۹ - چون اصولاً «طبقه‌بندی» را باید از فلسفه اخذ کرد و نمی‌توان از خود آن، طبقه‌بندی را انجام داد. (ج ۷ - ص ۳)

۶۰ - یعنی اولین تناسبی را که در جدول می‌خواهید به وجود آورید باید با رعایت آن اموری باشد که مورد نظر شما بوده است. (ج ۷ - ص ۳)

- ۶۱ - لذا باید صورت مسئله و سؤال را از نظام فلسفی و پاسخ آنها را از عینیت بگیرید. چون شما در خود موضوع نمی‌توانید تقسیم‌بندی را نسبت به موضوعات آن صورت دهید. (ج ۷ - ص ۳ و ۴)
- ۶۲ - این کلام بدین معنا نیست که ما صرفاً دو نوع دسته‌بندی را می‌توانیم نسبت به بیانات آن بزرگواران انجام دهیم. بنابراین هرچند با چند نوع دسته‌بندی سروکار خواهید داشت اما مهمترین کار شما باید تعیین مداوم نظامهای دسته‌بندی باشد. (ج ۷ - ص ۴)
- ۶۳ - بدیهی است جدولی را که شما برای تأمین و گردآوری یا تجزیه بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» نیاز دارید باید بتواند مصادیق، اصول و اساسها را از این بیانات در اختیار شما قرار دهد. (ج ۷ - ص ۵)
- ۶۴ - اگر بنا باشد که در این مرحله به جمع‌آوری موضوعاتی پردازیم باید بدانیم چه چیزهایی را جمع‌آوری کنیم. چه اینکه اگر موضوع کار ما ارائه یک مدل مطلوب از سیاستها نسبت به یک موضوع خاص باشد باید آن موضوع را مورد دقت قرار داد و شناخت. مثلاً اگر آن موضوع، سیاست است باید از آن تعریف روشنی ارائه داد که فعلاً این تعریف وجود دارد. در مرحله بعد باید به ارائه سیاست مدل‌مند در بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» پرداخت و در ادامه خصوصیات را که نسبت به آن موضوع تقسیم می‌کنیم در پیدا کردن مواد مورد نیاز، اصل قرار دهیم. (ج ۸ - ص ۳)
- ۶۵ - از این رو انجام یک کار فلسفی در تشریح وصف و موصوف محصول مورد نظر ضرورت دارد. (ج ۸ - ص ۵)
- ۶۶ - بنابراین شما سه دسته جدول خواهید داشت که می‌توانند یک جدول بزرگ تعریف را تمام‌کنند. (ج ۹ - ص ۲)
- ۶۷ - نهایتاً اینها متناظر با اوصاف «توسعه، ساختار و کارائی» است. یعنی دیگر خود اوصاف «ظرفیت، جهت و عاملیت» را در اینجا بیان نمی‌کنید اما باید متناظر آنها را از بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» استفاده کنید و در آتی، متناظر آنها را بایست از اصول استنباط احکام حکومتی بدست آورید. (ج ۹ - ص ۲)
- ۶۸ - اما ببینیم ربط این کار با جدول تعریف چگونه است؟ بنا بود که سه دسته فعالیت به ترتیب در صدر جدول سمت راست و سمت چپ آن صورت گیرد. حال هرکدام از عناوینی که مربوط به ساختار است سمت راست قرار می‌گیرد. اگر می‌بینیم ما نیازمند «تأمین، تجزیه و ترکیب» هستیم، چیزی جز معنای «ساختاری» نیست که در سمت راست جدول قرار می‌گیرد. (ج ۹ - ص ۹)

۶۹ - اما زمانی که از برابری و تناظر تأمین با «اساس، اصول و مصداق» سخن می‌گوییم باید آن را در صدر جدول قرار دهیم. (ج ۹ ص ۹)

۷۰ - بخوبی می‌دانید که ابتدائاً باید تابلویی برای تبیین منزلتها ترسیم کرد؛ همچون جدول نظام تعریف که ابتدائاً خالی است و سپس توسط عناوینی همچون «ظرفیت، جهت و عاملیت» و غیر آنها پر می‌شود. (ج ۹ - ص ۹)

۷۱ - اما در کاری که ما انجام می‌دهیم باید عناوین متناظر با عناوین جدول تعریف را در جدول مربوطه خود قرار دهیم؛ لذا در جدول جدید دیگر از توسعه، ظرفیت و غیر آن سخن نمی‌گوییم بلکه متناظر با آنها از «تأمین، تجزیه و ترکیب» و ضرب آنها در عناوین «اساس، اصول و مصداق» و دیگر عناوین سخن می‌گوییم. (ج ۹ ص ۹)

۷۲ - این جدول همان دستگاهی است که برای تنظیم جملات به کار می‌آید. (ج ۹ ص ۹)

۷۳ - با این وصف ما مثلاً در باب اقتصاد بیش از ۳ موضوع اساسی نداریم که به ترتیب آنها را در خانه‌های ۶۴، ۳۲ و ۱۶ قرار می‌دهیم. همچنین است وضعیت موضوعات سه‌گانه اصولی اقتصاد که در رده پایین تر و به ترتیب در خانه‌های اولی ۹ تایی قرار می‌گیرد و بالاخره موضوعات مصداقی در خانه‌های اولی ۲۷ تایی قرار می‌گیرد. این آخرین رده محسوب می‌شود اما اولین خانه‌های ۳ تایی که مربوط به موضوعات اساسی بود در بالاترین رده قرار می‌گیرد. البته اولین خانه‌های ۹ و ۲۷ هرچند مربوط به بخش اساسی است اما این اساس نسبت به کل مطرح نیست بلکه نسبت به اصول و مصداق مطرح است؛ یعنی اساسی از اصول و اساسی از مصداق و نه اساسی از کل؛ چون وحدت و کثرت مورد نظر ما به ۳ امر تمام شده است و نه ۹ یا ۲۷ امر. البته ۳ عنوان نیز در نهایت به یک عنوان تبدیل می‌شوند که در صدر جدول قرار می‌گیرد و ۳ عنوان دیگر در نهایت به یک عنوان وصف جدول و بالاخره ۳ عنوان دیگر به یک عنوان و مجموعاً ۳ عنوان وصف جدول تبدیل می‌شود. چون ما قائل به وجود شیء واحد غیر لایتجزی نیستیم بلکه ما یک عنوان مرکب داریم که این سه وصف و این سه وصف و این سه وصف، در نهایت به سه وصف تبدیل می‌شوند و به صورت عنوان جدول قرار می‌گیرند؛ لذا ۹ عنوانی که ذیل این بخش قرار می‌گیرد باید بخش اصولیها را معین کند و کل مصداقی کلی را باید در بخش عناوین مربوطه قرار داد. (ج ۹ - ص ۹ و ۱۰)

۷۴ - باید توجه کنید که در این جدول نباید عین بیانات آن بزرگواران آورده شود. (ج ۹ ص ۱۰)

۷۵ - بلکه این جدول مربوط به استنتاج از آن بیانات است. (ج ۹ - ص ۱۰)

۷۶ - که در یک دسته‌بندی مشخص و منطقی می‌توان جایگاه هر یک را مشخص کرد. (ج ۹ - ص ۱۰)

۷۷ - این دسته‌بندی چنانکه گذشت این است که آن بیانات در مرحله «تأمین» به «اساس، اصول و مصداق»

تجزیه می‌شود و سپس در «موضوع، فعالیت و هدف» ضرب‌گردیده و در مرحله بعد که تجزیه می‌شود

برابر موضوعات عینی قرار می‌گیرد. مثلاً اگر در موضوعات فرهنگی سه چیز اصل باشد باید آنها را در

جای خود قرارداد. (ج ۹ - ص ۱۰ و ۱۱)

۷۸ - حالا بدون آنکه بخواهیم چیزی را به حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدّ ظله» نسبت دهیم، فرض

کنیم که نظر ایشان چنین است که «اصل در مالکیت، کار است». این جمله در واقع نتیجه و عنوان

جملات متعددی است که از بیانات ایشان استفاده شده است. اما کار و کارگر دارای عناوین و مصادیقی

است؛ مثلاً شاید بتوان مصادیق کارگر را به کارگر کشاورزی، صنعتی و خدماتی تقسیم کرد. حال

دسته‌های کارگری را در این قسمت از جدول قرار می‌دهید و آن جمله کلی «کار در مالکیت اصل است»

در این بخش از جدول قرار می‌گیرد. قطعاً اعتقاد ما این است که نظر آن بزرگواران غیر از نظرات نظام

سرمایه‌داری یا کمونیستی است که به ترتیب سرمایه و کار را اصل می‌گیرند. (ج ۹ - ص ۱۱)

۷۹ - حال در ضمیمه و پاورقی آن باید به آنچه که دست یافته‌اید استشهاد کنید، گرچه شما به دسته‌بندی دهها

و صدها مطلب نیز پرداخته باشید. (ج ۹ - ص ۱۱)

۸۰ - پس در یک طرف دسته‌های کارگری را قرار می‌دهید و در بخش دیگر عنوان نتیجه را که مثلاً «در

مالکیت، کار اصل است» می‌گذارید؛ چون بنا بوده است که در این بخش از جدول، بررسی موضوعات

عینی صورت‌گیرد و یکی از این موضوعات نیز «کار» می‌باشد. مثلاً اگر موضوعات عینی را کار، سرمایه و

ابزار فرض کنیم، باید این بخش از جدول را به تقسیمات «کار در عینیت» و بخش دیگر را به تقسیمات

«سرمایه در عینیت» و بالاخره بخش آخر را به تقسیمات «ابزار در عینیت» اختصاص دهید. بدیهی است

منظور از سرمایه نیز منابع طبیعی و غیر آن است. (ج ۹ - ص ۱۱)

۸۱ - اینها موضوعات عینی است که آن بزرگواران ناظر به چنین موضوعاتی سخن می‌گویند؛ چون بنا نبوده است که آنها نسبت به عالم غیب و جدای از عینیت سخن گویند؛ زیرا مخاطبین آنها را قشر یا افشار خاصی از جامعه تشکیل می‌دادند و بنا نبوده است که عرفان و اخلاق بگویند بلکه ایشان در صدد بوده‌اند که جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب سپرده‌هند. ممکن است یک دسته خاص از کارگران در آن جلسه مخاطب حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله» بوده باشند اما ایشان نسبت به کار و نقش آن در مالکیت سخن گفته‌اند و به فرض محال منکر نقش سرمایه و ابزار بوده باشند. (ج ۸۹ - ص ۱۱ و ۱۲)

۸۲ - اما ممکن است در کنار جمله «کار در مالکیت اصل است» به جمله دیگری همچون «یک وجب زمین غصبی تا هفت طبقه طوق از آتش می‌شود» برخورد کنید که در این صورت می‌بینید این دو جمله با هم تناقض دارد و جمله دوم، اولی را تخصیص می‌زند. معنای این دو جمله چنین می‌شود که کار نقش دارد اما اصل نیست و از دیگر سو نباید به کارگر ظلم کرد. و یا ممکن است به جمله سومی برخورد کنید که در دیدار با مخترعان و مکتشفان فرموده‌اند: «باید شما ابزار بسازید». این جمله نشانگر این است که هیچکدام از کار یا سرمایه اصل در مالکیت نیست؛ بلکه نقش ابزار هم باید لحاظ گردد. (ج ۹ - ص ۱۲)

۸۳ - بنا بر آنچه گذشت مشخص شد که این جدول دربردارنده بیانات آن بزرگواران نیست؛ بلکه دسته‌بندی «استنتاجات» آن بیانات است. (ج ۹ - ص ۱۲)

۸۴ - اما این جدول هرچند مربوط به «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» می‌شود ولی تا زمانی که به صورت ۹ عنوان - یعنی حاصلضرب دو تا ۳ عنوانی در یکدیگر - است جدولی عمومی و مربوط به هر سه گروه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود.

۸۵ - اما زمانی که قرار است ۹ عنوان تبدیل به ۲۷ عنوان شود، آنگاه جدول، شکل خصوصی و مربوط به یک گروه خاص را پیدا می‌کند. چون ۲۷، از ضرب ۹ در ۳ بوجود می‌آید. (ج ۹ - ص ۱۲ و ۱۳)

۸۶ - حال اگر از نظر فلسفی «اراده» را در سیاست و «سنجش» را در فرهنگ و امر دیگری را در اقتصاد اصل بدانیم آنگاه سه امر را در سیاست و سه امر را در فرهنگ و سه امر دیگر را در اقتصاد باید اصل بدانیم و در سمت راست جدول که مربوط به «موضوعات فلسفی» است جای دهیم. لذا ورودی اصلی در تقسیم‌بندی به ۲۷ عنوان سمت راست جدول می‌باشد و از همین جاست که نظارت بر دو سوی دیگر جدول صورت می‌گیرد. لذا صحیح است که بگوییم ساختارسازی از این سوی جدول است و موضوعات عینی از سوی دیگر و بالاخره آنچه مربوط به منقول است در سمت بالای جدول قرار می‌گیرد. (ج ۹ - ص ۱۳)

۸۷ - یعنی استفاده‌ای را که ما از مقبول می‌کنیم و در واقع چیزی جز همان منقول نیست و دسته‌بندیهای اساسی کل جدول نیز در همین جا صورت می‌گیرد همگی مربوط به صدر جدول است. (ج ۹ - ص ۱۳)

۸۸ - طبیعی است چون سخن از منقول به میان می‌آید بعداً باید از طریق متون وحی در این قسمت استفاده کرد و فعلاً به عنوان دو شخصیت که از اسلام خبر می‌دهند باید جایگاه آنها را در این سوی جدول دانست. (ج ۹ - ص ۱۳)

۸۹ - چنانکه قبلاً گذشت گروهها بایست به ارائه سه جدول پردازند که یکی از آنها برای «ساختار» و دیگری برای «عینیت» است؛ یعنی هم باید بتوانند برای انتزاع جدول مربوطه را پرکنند و هم به صورت صفت و موصوف؛ که ان شاء الله در طول کار با این جداول برخورد خواهیم داشت. اما یک جدول نهایی بدون تردید بایست ارائه گردد. هرگونه تقصیر و قصور از گروهها در عدم ارائه احتمالی آن پذیرفتنی نیست و اگر به صورت مقنن ارائه نشود، معلوم می‌گردد که سیر مربوطه رعایت نشده است. (ج ۱۴ - ص ۱)

۹۰ - طبقاً بر اساس همین جدول «محتوا» است که طبقه‌بندی بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدّظله» نیز صورت می‌گیرد. (ج ۱۴ - ص ۱)

۹۱ - اگر موضوع فعالیت گروهها را ارائه جدول محتوا و پژوهش پیرامون بیانات حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدّظله» بگیریم و برای این فعالیتها، سقف اعتبار مشخصی از بودجه را اختصاص دهیم، باید به این نکته توجه کنید که منظور از طبقه‌بندی بیانات، طبقه‌بندی «شاخصه‌ها» است. (ج ۱۴ - ص ۳)

۹۲ - یعنی گروهها باید نهایتاً بتوانند سیاستهای کلی طبقه بندی شده را نسبت به موضوعات عینی ارائه دهند.

قطعاً این سیاستها برای اهداف عینی خواهد بود. حال برای کنترل این سیاستها و تبیین صحت و سقم آنها، باید شاخصه های مربوطه را در جدول تعریف آورد و کنترل نمود؛ و الاً اگر جدول تعریف از دسته بندیها و عناوینی پرشود لکن خالی از سیاستها باشد، حتماً کار مطلوبی نسبت به این امر صورت نگرفته است. چون اصولاً نقش «جدول تعریف»، در ارائه سیاستهای مطلوب است؛ بدین معنا که این

جدول باید بتواند مشخص کند که جایگاه هر سیاست کجاست و رتبه آن چیست؟ (ج ۱۴ - ص ۳)

۹۳ - در وضعیت عادی بایست گروهها هم بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» و نیز

موضوعات عینی و موضوعات مربوط به ساختار را در جدول تعریف خود منعکس

نمایند. (ج ۱۴ - ص ۷)

۹۴ - سپس در مقام بیان تناظر باید بتوانند ثابت کنند این دسته از بیانات آن بزرگواران مربوط به این دسته از

عناوین است. (ج ۱۴ - ص ۷)

۹۵ - در این حال جدولی را که ایشان در نهایت ارائه می دهند به گونه ای است که در یک سمت عنوان

موضوعات و در سمت دیگر بیانات آن بزرگواران و بالاخره در بخش دیگر شاخصه ها و امور عینی

منعکس می گردد. این بهترین نوع ارائه یک جدول است. (ج ۱۴ - ص ۷)

۹۶ - هر چند قبل از این کار، باید جدولی را پرکنند که یک طرف مربوط به عناوین دفتر است و سمت دیگر آن،

مربوط به امورات عینی؛ تا این جدول پیش درآمد جدول نهایی آنها باشد که در آن سه موضوع فوق

منتقل می شود. (ج ۱۴ - ص ۷)

فصل یک: مرحله تأمین

- ۹۷ - سپس هر یک از این بیانات بر اساس طبقه‌بندی موجود در دفتر به چندین محور تقسیم می‌شود. مثلاً در بعد سیاسی، بیانات حضرت امام و مقام رهبری به هشت محور آمریکا، شوروی و غیر تقسیم می‌شود. هکذا در بعد فرهنگی و اقتصادی. (ج ۱ - ص ۱۰)
- ۹۸ - هر گروه می‌تواند صحیفه نور و فرمایشات مقام معظم رهبری (حفظه الله) را بررسی نموده و آنچه مربوط به کارشان می‌باشد جدا نمایند. از طبقه‌بندیهای موجود پیرامون صحیفه نور و فرمایشات رهبری نیز استفاده نمایند. (ج ۳ - ص ۲)
- ۹۹ - هر گروه می‌تواند صحیفه نور و فرمایشات مقام معظم رهبری (حفظه الله) را بررسی نموده و آنچه مربوط به کارشان می‌باشد جدا نمایند. از طبقه‌بندیهای موجود پیرامون صحیفه نور و فرمایشات رهبری نیز استفاده نمایند. (ج ۳ - ص ۲)
- ۱۰۰ - شما به منابعی که در فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» است یک نظر استقرایی (که بعد توضیح خواهیم داد) داشته باشید. این مرحله گردآوری یا استقراء برای این است که شما بتوانید بعداً مستند به آنها مقبولیت را برای نهایت طرح که بیست و هفت عنوان است، تمام کنید. (ج ۴ - ص ۱)
- ۱۰۱ - بنابراین یک گردآوری یا استقرایی در فرمایشات امام (علیه السلام) و رهبر دارید. یک گردآوری هم نسبت به موضوعات، فعالیتها و اهداف دارید. (ج ۴ - ص ۳)
- ۱۰۲ - مثلاً در مورد فرمایشات امام (علیه السلام) می‌توان بلافاصله یک دسته‌بندی از آن تهیه نموده و سپس موضوعات تکراری را از آن حذف نمود بگونه‌ای که یک موضوع نوشته شود و مطالب زیر بخش آن معین شود. (ج ۴ - ص ۹۸)
- ۱۰۳ - فرض دیگر این است که موضوعات، کلی‌گیری شود. مثلاً گفته شود: «این پنج یا ده مطلب تحت یک عنوان کلی قرار می‌گیرد.» این کارها هر چند تمام کار نیستند ولی حتماً انجام آن لازم است. (ج ۴ - ص ۹)
- ۱۰۴ - موضوعات باید دسته‌بندی شده و معین شود که چه موضوعاتی تحت چه عنوانی قرار می‌گیرند؛ کاری که در روح یا ذهن و یا عین نیز انجام می‌گیرد در سه محور سیاست، فرهنگ و اقتصاد مشخص شود. (ج ۴ - ص ۹)

۱۰۵ - گروهها بعد از گردآوری منابع باید در یک دستگاه تجزیه دیگری، تعریف مخصوص خود را ارائه نمایند. (ج ۴ - ص ۹)

۱۰۶ - مثلاً در مرحله گردآوری که ابتدا مطالب را مانند دائرة المعارفها و لغت نامهها دسته بندی الفبایی نموده و سپس به دسته بندی موضوعی و در نهایت به موضوعات کلی تر تبدیل نمودند، باید در مرحله بعد بیان شود که «تعریف» به منظور تجزیه جهات مختلف موضوع و بردن آن در «نظام تعریف» لازم می باشد. (ج ۴ - ص ۹)

۱۰۷ - گروههای پژوهشی - کارشناسی بایستی کار خود را در دسته بندی فرمایشات امام علیه السلام و مقام معظم رهبری «مدظله» به نحو کامل انجام داده و طبق نظام تعریف مشخص نمایند که ایشان در چه قسمتهایی صحبت داشته اند و در چه قسمتهایی صحبتی نداشته اند. در این صورت معلوم می شود که در چه قسمتهایی نیاز است برای جامعه صحبت نمایند. اصولاً کار مجمع تشخیص مصلحت نظام این است که مشورت دهد در چه قسمتهایی صحبت شود. در فهرستی که به تشخیص مصلحت نظام تحویل داده شد نیز لزوماً تمام عناوین آن در صحبتهای امام علیه السلام و مقام معظم رهبری «مدظله» نبود. هر چند اینگونه نیست که هیچ یک از این عناوین در فرمایشات ایشان نباشد؛ لذا باید مشخص شود در چه قسمتهایی صحبت شده و در چه قسمتهایی صحبت نشده است که نیاز جامعه نیز می باشد. (ج ۴ - ص ۹)

۱۰۸ - باید در پایان کار حتی یک مورد از فرمایشات ایشان به عنوان مستند فراموش نشده باشد. (ج ۴ - ص ۹)

۱۰۹ - مثلاً می گوئید: یک نفر برای جمع آوری حرفهای امام علیه السلام می خواهیم تا حجم آن معلوم شود. مثلاً اگر چند دوره کتاب از حرفهای امام علیه السلام آورده اند، شما می گوئید: یک دوره از آن موضوعات سیاسی است. این یک دوره، برآوردی لازم دارد که ببینید چند سطر می شود؟ فهرستهای آن چقدر است و در چه سرفصلهایی آمده است؟ (ج ۶ - ص ۵)

۱۱۰ - حال آنچه در مورد تفکیک این بیانات قابل ذکر است، همان ۳ عنوان «مصدق»، اصل و مبنا است که عامترین عناوین است. چون شما با هر سخنرانی برخورد داشته باشید یا در مقام بیان یک یا چند «مصدق» و مثال است تا از این طریق ذهن مخاطب را به جوهره بحث متوجه نماید یا می خواهد به بیان یک «اصل» پردازد که هزاران مصداق را شامل می شود یا اساساً در مقام بیان «مبنا» و جهت اصلی است. (ج ۷ - ص ۲)

- ۱۱۱ - لذا در مقام تمثیل می‌توان مبانی را به ریشه‌ها و اساسها، و اصول را به شاخه‌ها و تنه‌ها، و مصادیق را به میوه‌ها و ثمرات تشبیه نمود. (ج ۷ - ص ۲)
- ۱۱۲ - اگر در خاطر تان باشد، قبلاً در مقام بیان بحث استدلالی می‌گفتیم متکلم گاهی به بیان مصداق یا استدلال یا هدف یا جهت و «برای» می‌باشد؛ اما اکنون می‌گوییم در مواضعی اساس و در مواضعی اصول و در برخی دیگر مصادیق را بیان می‌کند. (ج ۷ - ص ۲)
- ۱۱۳ - از همین جا معلوم می‌شود آنچه اساس است، معرّف «استراتژی» و آنچه اصول است، معرّف «سیاستها» و آنچه مصداق است، «نمونه قانونها» و نحوه استفاده از قوانین است که می‌توان آن را در مقام بیان آثار دانست. در یک تناظر دیگر می‌توان «ظرفیت» را معادل اساس و «ساختار» را معادل اصول و بالاخره «عاملیت» را معادل مصداق و آثار دانست. (ج ۷ - ص ۲ و ۳)
- ۱۱۴ - توجه کنید این عناوین که عامترین عناوین است باید در اوصاف خاصّ موضوعی که مورد نظر شماست، ضرب شود. مثلاً اگر این موضوع، فرهنگ باشد باید دید اوصاف آن را که «هوش، حافظه و هنر» است چگونه می‌توان در آنها ضرب نمود؟ همچنین اگر از امور روحی به عنوان یک موضوع سخن می‌گویید باید بتوانید نحوه تطبیق گرایشها و بینشها را با آنها مشخص کنید. (ج ۷ - ص ۳)
- ۱۱۵ - از این رو توصیه من به دوستان این است که در تجزیه بیانات آن بزرگواران این جهت را ملاحظه کنند و آنها را به «مصداق، اصل و اساس» دسته‌بندی کنند. حال این دسته‌بندیها که مهمترین و عامترین است، می‌تواند در انواع موضوعات «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» مطرح شود. (ج ۷ - ص ۳)
- ۱۱۶ - اما حین این دسته‌بندی نباید منتظر باشید که بتوانید آنها را در طبقات مورد نظر جای دهید. بله، غایت امر گردآوری است که از این طریق می‌توانید به آن نائل شوید. به تعبیر بهتر بخش اول تنها برای گردآوری بیانات مناسب است؛ لذا در این مقام شما توجهی به ترکیب ندارید؛ اما باید بتوانید تجزیه متناسب را با ترکیب بعدی انجام دهید. (ج ۷ - ص ۳)
- ۱۱۷ - اصولاً باید دو جهت در تجزیه شما حضور داشته باشد به گونه‌ای که یک گام را در گردآوری و گام دیگر را در فلسفه که ابزار هماهنگی آن است، برمی‌دارید. (ج ۷ ص ۳)
- ۱۱۸ - البته در جای خود باید برای اساس، تعریف مشخصی ارائه شود که چه بیاناتی در دسته اساس قرار می‌گیرد. طبعاً شاخصه این امر نیز باید مشخص شود تا بدانید بیانات مربوط به اساس با چه شاخصه‌ای شناخته می‌شود، همین تعریف و شاخصه در مورد مصادیق و اصول نیز باید ارائه گردد. چنانچه می‌دانید

قبلاً در روند کار پژوهشی از معادل آنها به «فلسفه، منطق و مصداق» یاد می‌کردید؛ اما در هر صورت علاوه بر تعریف باید شاخصه‌ها را نیز ذکر کرد تا بتوان آنها را بکار گرفت. صرف نظر از اینکه در نهایت چه محصولی به دست می‌آید و در چه بخشهایی قرار می‌گیرد؟ (ج ۷ - ص ۵)

۱۱۹ - توجه کنید جایگاه «اساس، اصول و مصداق» در جدول پژوهشی شما چنین است که اساس به جای «فلسفه»، اصول به جای «ساختار یا روش» و بالاخره مصداق به جای «مصادیق عینی» است. (ج ۷ - ص ۶)

۱۲۰ - در هر حال جدول فلسفی شما، مسائل را از بیانات آن بزرگواران آورده است و نه از عینیت؛ چون آنها کلیات عینیت می‌باشد. چه اینکه وقتی آنها را به کار می‌گیرید، ذیل عناوین موضوعات قرار می‌گیرند نه زیر شاخصه‌ها. (ج ۷ - ص ۶)

۱۲۱ - اما باید آنها را در نهایت زیر شاخصه‌ها بیان کنید. چون الان اینها به صورت کلی است؛ لذا در اینجا نوشته شده است. اما در نهایت باید خرد شود و زیر شاخصه‌ها قرار گیرد. (ج ۷ - ص ۶)

۱۲۲ - اما ببینیم که پس از این چه باید کرد؟ مثلاً پس از انجام ضرب و کار روی بیانات درمی‌یابید که فرضاً ۹ مورد اساس در این بیانات وجود دارد که برخی در این قسمت و برخی در قسمت دیگر است و فرضاً ۹ اصول و ۹ مصداق نیز به دست آورده‌اید. البته نوعاً چنین است که مصادیق دارای تعداد بیشتری نسبت به اصول و اصول دارای تعداد بیشتری نسبت به اساس است. (ج ۷ - ص ۷)

۱۲۳ - به تعبیر بهتر اگر بخواهیم این واقعیت را به صورت دیگر بنویسیم، می‌توان گفت در این قسمت استراتژیها، در این قسمت سیاستها و در این قسمت باید بتوان فعالیت‌های خاص نسبت به موضوعات خاص را نتیجه گرفت. توجه کنید که در وسط جدول نیز از سیاستهای اجرایی سخن می‌گوییم. چون کل آنها باید صورت اجرایی و نه فلسفی داشته باشد. اصولاً قرار است که سیاستها و استراتژی همگی مربوط به برنامه باشد و در صدد طرح استراتژی فلسفی یا پژوهشی نیستیم. (ج ۷ - ص ۷)

۱۲۴ - حول همین استراتژی است که باید امور کشور سامان یابد و همین سیاستها است که باید در مراحل مختلف برنامه دائماً تغییر پیدا کنند. لذا معنا ندارد که از سیاستهای کلی سخن بگوییم؛ مگر در صدد نوشتن قانون اساسی هستیم؟! مثلاً اگر در برنامه توسعه پنجم برای رسیدن به مطلوبهایی از یک دسته سیاستهای خاص اجرایی سخن می‌گوییم باید در برنامه ششم سیاستهای دیگری اعلام گردد تا در نهایت به این جمع بندی برسیم که بحمدالله سیاستهای اعمال شده در فلان تاریخ از دوره پنجم، این موفقیتها را

برای کشور به ارمغان آورده است. همچنین اگر از مصادیق سخن می‌گوییم باید منظور مصداقهای عملیات برنامه، نتایج و محصولات باشد که مثلاً مردم این گونه باید کار کنند و اسلام از آنها چنین کارکردی را می‌طلبد. اصولاً این گونه کارکردن رهین اعمال سیاستهایی است که مدّ نظر مسئولان و برنامه‌ریزان کشور بوده است. اگر می‌بینیم که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «قلمهایتان را نازک کنید تا ریخت و پاش و اسراف کمتر صورت گیرد» آن را نباید به عنوان یک سیاست دانست؛ چون این که اسراف نشود، حاصل اعمال یک سیاست است. (ج ۷ - ص ۷۰۶)

۱۲۵ - بنابراین هم باید بیانات آن بزرگواران را بر اساس «اصول، مبنا و مصداق» دسته‌بندی کنید و هم طبقه‌بندی فلسفی خود را کامل نمایید. (ج ۷ - ص ۸۰۷)

۱۲۶ - بنابراین برای تفکیک، دسته‌بندی و استخراج سیاستها بر اساس بیانات ایشان در اصل مقبولیت به یک روش نیازمندید که بتوانید مراحل کار را تشخیص داده و به ارزیابی زمان، نیرو و امکانات مورد نیاز خود پردازید. برای این کار الزاماً باید چندین کار را انجام دهید. (ج ۷ - ص ۸)

۱۲۷ - در ابتدا عمل تأمین، نسبت به این بیانات صورت می‌گیرد که باید آنها بر اساس «مصداق، اصول، اساس» تجزیه گردد. سپس عمل تجزیه نسبت به این بیانات انجام می‌شود و قبل از هرچیز تجزیه گردآوری و استقراء صورت می‌گیرد. توجه کنید که دسته‌بندی شما بر اساس «مصداق، اصول و اساس» عامترین و بی‌رنگ‌ترین دسته‌بندیهاست؛ اما در نهایت به یک سری تعاریف کلی می‌رسید که گویایی لازم را ندارد. به تعبیر دیگر شما را در نهایت به تعریف کلی می‌رساند؛ هرچند از اول، منظور شما استخراج سیاستها بوده است. (ج ۷ - ص ۸۰۸)

۱۲۸ - بله، هرچند زمانی که به اساس در بیانات ایشان می‌رسید، در واقع استراتژی را از کلام آنها اخذ نموده‌اید ولی نمی‌توانید با این دسته‌بندی اولیه جایگاه و وزن هر یک را معین کنید و بین آنها یک ربط منطقی برقرار نمایید. (ج ۷ - ص ۹)

۱۲۹ - از این رو پس از طبقه‌بندی اولیه و سپس تجزیه آن بیانات باید به کار ترکیب پردازید. (ج ۷ - ص ۹)

۱۳۰ - دقت کنید در مقام تجزیه، عناوینی که در اختیار شماست با یکدیگر ربط دارند و مرتبه آنها با هم دارای نسبت است. (ج ۷ - ص ۹)

۱۳۱ - از این رو وقتی در این مقام به ایجاد طبقه‌بندی ماتریسی و سطر و ستون اقدام می‌کنید و این عناوین را در این جدول قرار می‌دهید، درمی‌یابید که این عناوین در عین جدا بودن از یکدیگر در یک نظام مشخص واقع شده‌اند. هرچند در این مقام نمی‌توان وزن هریک را معین کرد یا گفت متغیر اصلی چیست ولی می‌توان ترتیب را معین نمود. (ج ۷ - ص ۹)

۱۳۲ - البته در گام بعد نیز باید آنها را در یک نظام تعریف بیاورید. (ج ۷ - ص ۹)

۱۳۳ - ممکن است این شبهه در ذهن شما بوجود آید که تقسیم بیانات به «اساس، اصول و مصداق» نمی‌تواند تمامی آن بیانات را پوشاند. مثلاً زمانی که یکی از آن بزرگواران از «هدف» سخن می‌گویند، چگونه می‌توان آن را در یکی از ۳ عنوان مزبور جای داد؟ اما برای رفع این شبهه می‌گوییم این شاخصه‌ها حتماً پوشش دهنده تمامی آن بیانات است. چون وقتی ایشان از هدف سخن می‌گویند یا در مقام بیان مصداق بوده‌اند که آن را به لسان هدف بیان کرده‌اند یا قصد داشته‌اند استراتژی مشخصی را بیان فرمایند؛ همچون استراتژی جنگ با کفار و استکبار یا دفاع از مستضعفین. بله، ما هم می‌پذیریم که میان هدف و استراتژی تفاوت وجود دارد. چون استراتژی، همان محور هماهنگ‌سازی فعل یا محور هماهنگ‌سازی سیاست‌های بلندمدت است؛ زیرا محور سیاست‌ها همواره باید با عامل متغیر موضوع ربط داشته‌باشد. مثلاً مداد به عنوان یک موضوع دارای یک روند تغییرات است که نهایتاً به این شکل درمی‌آید. عامل متغیر در این موضوع، یک متغیر خارجی و شرائط‌ساز دارد که می‌توان از آن به عنوان استراتژی یاد کرد که در تمامی مراحل تغییر حضور دارد. اما منظور از هدف در واقع آن چیزی است که به وسیله این فعل می‌توان به آن رسید. (ج ۷ - ص ۱۰۹)

۱۳۴ - حال چون قرار است دوستان شاخصه قوی و مناسبی را در اختیار داشته‌باشند تا بدانند جایی که آن بزرگواران از هدف سخن گفته‌اند، منظورشان مصداق یا استراتژی است؛ می‌توانند هنگام گردآوری، ۳ عنوان «موضوع، فعالیت و هدف» را در «اساس، اصول و مصداق» ضرب کنند تا به عناوینی همچون موضوعات اساسی، فعالیت‌های اساسی، اهداف اساسی، اهداف استراتژیک، اهداف اصولی، اهداف سیاست‌ها، اهداف مصداقی و غیر آنها دست پیدا کنند. (ج ۷ - ص ۱۰)

۱۳۵ - اما در هر صورت متوجه باشید که همواره اهداف به عنوان یک استراتژی بلندمدت بیان نمی‌گردد و گاهی به صورت یک نمونه، اما در قالب هدف بیان می‌شود که ناظر بر اهداف کوتاه‌مدت برنامه یک مجموعه نیز نمی‌باشد و صرفاً بیان یک نمونه است. چه اینکه زمانی که عده‌ای از معلمان به محضر یکی

از ایشان شرفیاب می‌شوند و با آنها در خصوص یک موضوع مشخص سخن می‌گویند، نمی‌توان هدف مذکور در بیانات ایشان را به عنوان «هدف برنامه» ذکر کرد در حالی که ایشان اشاره به یک محصول خاص داشته‌اند. مثلاً حضرت امام (علیه السلام) از زمان مرحوم حاج شیخ (علیه السلام) به نیکی یاد می‌کنند. این بیان یک مصداق و نمونه است که باید همین از آن بیانات استخراج شود به اینکه اگر قرار باشد مدارس یا دانشگاهها در موضع فعالیت خود کار کنند باید همچون حاج شیخ عمل کنند. مسلماً این را نمی‌توان به عنوان هدف کوتاه‌مدت دانست؛ بلکه صرفاً بیان یک نمونه است. (ج ۷ - ص ۱۰ و ۱۱)

۱۳۶ - بنابراین شما با انجام ضرب فوق‌الذکر می‌توانید شاخصه مناسبی را برای دسته‌بندی اولیه بیانات پیدا کنید. (ج ۷ - ص ۱۱)

۱۳۷ - می‌بینید که با انجام این ضرب، می‌توان دایره شمولیت را گسترش داد.

۱۳۸ - چنانچه قبلاً گفتیم با ۳ عنوان «موضوع، فعالیت و هدف» نیز سروکار داریم؛ لذا فعالیت‌هایی به نام «فعالیت‌های اساسی» نیز وجود دارد که این عنوان دوقیدی از آن ضرب حاصل می‌شود. مثلاً فرض کنید که در یک سازمان، مدیریت آن «اساس» به شمار می‌رود. همانگونه که در پژوهش، مسئله تطرق احتمالات اساس است. در هر حال می‌توان در امور مختلف فعالیت‌های «اساسی، مصداقی و اصولی» را از یکدیگر تفکیک نمود و آنها را با مشارکت و مباشرت متناظر دانست. همچنانکه موضوعات نیز به صورت «اساسی، اصولی و مصداقی» قابل طرح است. (ج ۷ - ص ۱۱)

۱۳۹ - از این رو می‌بینید که آن ادعای اولیه ما مبنی بر جوابگو و کامل بودن ۳ عنوان «اساس، اصول و مصداق» یک ادعای صحیح است چون هر کلامی را می‌توان تحت یکی از این عناوین درآورد. (ج ۷ - ص ۱۱)

۱۴۰ - اگر امری را به آنها اضافه کنیم و به عنوان موصوف دوم قرار دهیم، آنگاه این ۹ بار تکرار می‌شود. (ج ۷ - ص ۱۱)

۱۴۱ - البته این را می‌پذیریم که سخن گفتن از تناظر به فعل، سخن تمامی نیست. (ج ۷ - ص ۱۱)

۱۴۲ - لذا اگر این تناظر را حذف کنیم و خود «اساس، اصول و مصداق» را بیاوریم می‌توان آن را به عنوان عامترین عناوین مورد استفاده قرار داد. (ج ۷ - ص ۱۱)

۱۴۳ - در هر حال مضاف الیه دوم می‌تواند در ۳ مرحله واقع شود؛ اما این در ۲ مرحله واقع شده است؛ هرچند تعداد مضاف الیه‌ها می‌تواند به ۳ یا ۴ مرحله نیز برسد که با این وصف در هر معنا می‌توان تعداد بیشتری را ذیل اساس قرار داد. اما این افزایش از نظر خرد شدن است نه تأمین به معنای اساس کمی. (ج ۷ - ص ۱۱ و ۱۲)

۱۴۴ - حال اگر این کار انجام شد و از طرف دیگر طبقه‌بندی موضوعات را از بالا انجام دادید. (ج ۷ - ص ۱۵)

۱۴۵ - باید بتوانید از این طریق یکی را شارخ دیگری قرار دهید و خانه‌های خالی را در جدول نمایش دهید. (ج ۷ - ص ۱۵)

۱۴۶ - به تعبیر بهتر آنچه که از فلسفه می‌آید باید بتواند منزلتهایی که آنها را تفکیک و تجزیه می‌کند به خوبی نشان دهد. (ج ۷ - ص ۱۵)

۱۴۷ - از این رو مهمترین مطلب این است که شما عامترین عناوین را در مرحله گردآوری در اختیار داشته باشید. (ج ۷ - ص ۱۵ و ۱۶)

۱۴۸ - ممکن است سؤال کنید عناوین «اساس، اصول و مصداق» چه مزیتی بر عناوین «مصداق، استدلال و برای یا جهت» که در بخش «حوزه» به آن پرداختیم، دارد؟ (ج ۷ - ص ۲۶)

۱۴۹ - در جواب می‌گوییم اینجا سروکار شما با سخنرانیهای اجرایی است؛ لذا معنا ندارد که از استدلال سخن بگویید، چون استدلال به درد سیاستها نمی‌خورد. متوجه باشید که امور اجرایی غیر از امور استدلالی است؛ لذا ضرورتی ندارد که پی‌گیر مبنا باشیم. (ج ۷ - ص ۱۶)

۱۵۰ - احياناً اگر متکلم استدلالی را هم آورده باشد، این استدلال در مقوله سیاستها کاربرد ندارد. چون معنای استدلال یک معنای نظری است نه اجرایی و اگر با آن برخورد کنیم باید این استدلال حذف شود. اصولاً هر جا با استدلال برخورد داشتید، بدانید که معنای تصمیم‌گیری در آنجا وجود ندارد بلکه متکلم خواسته است ذهن شنونده را با خود همراه سازد. (ج ۷ - ص ۱۶ و ۱۷)

۱۵۱ - اما زمانی که متکلم بیان اصل می‌کند در واقع خواسته است یک اصل اجرایی را متذکر شود. (ج ۷ - ص ۱۷)

۱۵۲ - این همان تقسیم به «اصلی، فرعی و تبعی» است که در اجرا ذکر می‌شود و این همان چیزی است که در پژوهش از آن سخنی به میان نمی‌آید، بلکه از «فلسفه، روش و مصداق» سخن می‌گوییم. اگر دیدیم که متکلم پایین‌تر از این مقام سخن می‌گوید، دیگر آن مقام پژوهش نیست؛ بلکه حین سخن می‌خواهد استدلال را بیان کند، نه آنکه آئین‌نامه عملیات پژوهش را تبیین نماید. (ج ۷ - ص ۱۷)

۱۵۳ - بله، در آنجا می توان گفت که مثلاً مقام معظم رهبری «مذّطلّه» در صدد بیان جهت حاکم، هدف و «برای» می باشد؛ لذا استدلالاتی نیز برای آن اقامه می کند. در این حال «جهت» جای فلسفه را می گیرد. (ج ۷ - ص ۱۷)

۱۵۴ - در هر حال ما با آن دسته از سخنانی سروکار داریم که استدلال مذکور در آنها برای ما راهگشا نیست؛ گرچه سراسر این سخنرانی از چنین استدلالاتی پر باشد. (ج ۷ - ص ۱۷)

۱۵۵ - لازم نیست که شما تسویه ای نیز نسبت به بیانات آن بزرگواران انجام دهید و مثلاً ابتدائاً مجموعه استدلالات و مثالها را کنار بگذارید و سپس خالص آنچه برای اهداف، اغراض و خط مشی ها باقی می ماند به «اساس مصداق، اصول و اساس» تقسیم بندی کنید. (ج ۷ - ص ۱۷)

۱۵۶ - بلکه آنچه ضرورت دارد این است که چند کار انجام دهید، مثلاً: ابتدائاً کارهای «ذهنی، روحی و عینی» مخاطب را تقسیم کنید تا بدین وسیله و با این کار هنری، تحریک انگیزه مخاطب صورت گیرد. همچنین به لحاظ ذهنی و بالاخره از دیدگاه خودمان باید به کارهایی از این قبیل روی آوریم. باید به گونه ای حرکت کنیم که وجود زمان اضافی در کارمان به حداقل ممکن برسد. (ج ۷ - ص ۱۷)

۱۵۷ - حتماً می توان با یک سخنرانی به ۲۷ نوع نیز برخورد کرد اما صرف وقت برای چنین کاری چیزی جز هدر دادن آن نیست. (ج ۷ - ص ۱۷ و ۱۸)

۱۵۸ - وقتی شما «اساس، اصول و مصداق» را مشخص کردید، بقیه را طرداً للباب می توانید مورد دقت قرار دهید. (ج ۷ - ص ۱۸)

۱۵۹ - در این حال ممکن است یک پاراگراف از یک سخنرانی را در ضمیمه بیاورید ولی آن قسمتی را که مبین یک اساس است باید مورد توجه قرار دهید و زیر آن خط بکشید. (ج ۷ - ص ۱۸)

۱۶۰ - اما در هر حال چنانچه گذشت، اگر یک استدلال برای اساس هم ذکر شده باشد، باز برای ما فایده ای ندارد، چون در واقع کار ما یک کار اجرایی است. (ج ۷ - ص ۱۸)

۱۶۱ - با این وصف می بینید آن تسویه ای که فوقاً ذکر آن رفت، عملاً ضرورتی نخواهد داشت؛ چون تسویه به وسیله خود اینها واقع می شود. یعنی زمانی که شما در حال بررسی یک پاراگراف از یک سخنرانی هستید

و آن را به عنوان موضوع اساس تشخیص داده و زیر آن خط می کشید، عملاً آن تسویه صورت می گیرد و چون تنها با همین قسمت از سخنرانی سروکار دارید لذا بقیه را به کنار می گذاریم. در این حال چه بسا در یک سخنرانی یک تا دو ساعته، تنها سه جمله به کار ما بیاید. (ج ۷ - ص ۱۸)

۱۶۲ - در یک کلام تأمین، مرحله «استقرار است» و در این مرحله است که نه در فلسفه بلکه در عینیت به تتبع می پردازیم. این همان مرحله گردآوری است. (ج ۸ - ص ۳)

۱۶۳ - اما توجه کنید که این محصول غیر از این است که از «اساس، اصول و مصداق» سخن بگوییم. (ج ۸ - ص ۵ و ۴)

۱۶۴ - چون اگر پای سیاستهای اجرایی در میان باشد، می توان از سه عنوان «اساس، اصول و مصداق» سخن گفت و خود را به آنها نیازمند دید. (ج ۸ - ص ۵)

۱۶۵ - پس از آن باید بیانات حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدّظله» را به عنوان یک امر عینی مورد نظر قرار داد. چون مستند ما در عینیت، مقبولیت است و تکیه مقبولیت به همین بیانات است. (ج ۸ - ص ۵)

۱۶۶ - پس از این مراحل باید مجدداً به تقسیم کردن پردازیم. اگر از این تقسیمات سؤال کنید، می گوئیم این همان تقسیماتی است که قبلاً در محتوا مطرح شد و با سه دسته بندی «اساس، اصول و مصداق» سروکار داشتیم. (ج ۸ - ص ۵)

۱۶۷ - در ادامه باید نسبت آن را با «جدول جامعه» ببینیم و در نهایت تقسیمات داخلی آن را ارائه دهیم. (ج ۸ - ص ۵)

۱۶۸ - اما تمامی اینها به عنوان یک محور از فعالیت این گروه حساب می شود. چون باید محور دوم را تجزیه بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدّظله» قرار دهند. (ج ۸ - ص ۷)

۱۶۹ - قطعاً در این محور نیز ارزیابی لازم نسبت به نیرو، امکانات، هزینه و زمان مورد نیاز بایست صورت گیرد. (ج ۸ - ص ۷)

۱۷۰ - اگر فرضاً این گروه، گروه سیاسی باشد باید برای خود معلوم کند که از کتب موجود از حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله»، چه تعداد مربوط به موضوع سیاسی است و این کتب مجموعاً چند صفحه و چند فهرست از عناوین سیاسی را پر می‌کند؟ (ج ۸ - ص ۷)

۱۷۱ - لذا در ابتدا گروه سیاسی وقت خود را صرف کتابها نمی‌کند. (ج ۸ - ص ۷)

۱۷۲ - بلکه دقت اولیه خود را مصروف فهرست کتبی می‌کند که با موضوع فعالیت خود مناسبت دارد. (ج ۸ - ص ۷)

۱۷۳ - پس از انجام این کار باید عناوینی را که هم به لحاظ محتوای موضوعی و هم دستوری، مشابه است به عنوان موضوعات تکراری قلمداد نماید. (ج ۸ - ص ۸)

۱۷۴ - مثلاً حضرت امام (علیه السلام) در زمانهای مختلف و به مناسبتهای گوناگون به خاطر اهمیت موضوعی همچون ردّ نظام شاهنشاهی، سخنرانی‌های متعددی ایراد فرموده‌اند تا این واقعیت را به پذیرش اجتماعی برسانند؛ لذا این امر را با تعبیر گوناگون همچون «شما جوانها نمی‌دانید، پیرها می‌دانند که شاهنشاهی چنین و چنان بود» به مخاطبین خود القاء می‌کردند. مسلماً تمامی اینها به عنوان بیان یک مصداق است و قصد داشتند این مطلب را تفهیم کنند که این یک نظام فاسد است که ریشه در برتری جویی و استکبار قومی دارد. ممکن است تعبیر با یکدیگر اختلافات جزئی داشته باشند؛ اما جوهره همه آنها یکی است و از یک موضوع، دستور و توصیف، پیروی می‌کند. (ج ۸ - ص ۸)

۱۷۵ - بنابراین عمل جمع‌آوری و خلاصه کردن، اجتناب‌ناپذیر است. (ج ۸ - ص ۸)

۱۷۶ - که می‌توان ابتدائاً این کار را به نحو اجمال در فهرستها انجام داد. (ج ۸ - ص ۸)

۱۷۷ - در بدو امر به فیش‌برداری مبادرت نکرد. (ج ۸ - ص ۸)

۱۷۸ - پس از این باید سرفصلها را متناسب با موضوعاتی که آورده‌اند معین نمود. اینها همان سرفصلهایی است

که ارتکازات عرف است و توسط تنظیم‌کنندگان بیانات آن بزرگواران آورده شده است. (ج ۸ - ص ۸)

۱۷۹ - لذا فعلاً کاری به سرفصلهای مورد نظر خودمان نداریم. (ج ۸ - ص ۸)

۱۸۰ - بعد با رجوع به این سرفصلها می توان موضوعات قسیم و هم عرض را که تکراری نیستند به خوبی

مشخص کرد و شمارش نمود. (ج ۸ - ص ۸)

۱۸۱ - با جمع آوری این عناوین، گروهی از افراد را به فیش برداری می گماریم. (ج ۸ - ص ۸)

۱۸۲ - و همزمان نیروهای کیفی خود را برای به وحدت رساندن این عناوین بسیج می کنیم تا مابه الاشتراک هر

تعداد عنوان را که می توانند تحت یک عنوان کلی درآیند، مشخص نمایند. (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۳ - این یک تنظیم انتزاعی نیست بلکه یک تنظیم «شبکه ای» است. (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۴ - که می توان محورهای اساسی و اصلی بیانات را مشخص کرد و مثلاً به عناوینی همچون «استکبار» و

«استضعاف» که موضوعاً از سلطنت و غیر آن اعم هستند و مربوط به دعوای تاریخی می باشند، رسید و

چنین گفت که مثلاً استضعاف و استکبار ربطی به شاه و غیرشاه ندارد و هر مستکبر یا مستضعفی را در هر

جایی که باشند شامل می شود. با این وصف اینها غیر از یک صنف یا یک گروه یا یک نوع از حکومت

است. طبعاً عنوان استکبار یک عنوان کلی است که مثلاً ۵ دسته را می توان به عنوان زیربخش این عنوان

قرارداد و برای عناوین خرد نیز تناسبی ایجاد کرد. (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۵ - اما به موازات این کار باید به ارزیابی نیرو و امکانات مورد نیاز خود پردازید تا ببینید برای اتمام این محور

به چند ساعت وقت و چه تعداد نیرو نیازمندید. (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۶ - در این حال صحیح است که بگوییم همزمان با تنظیم فهرست و نظام عناوین، دستور استخراج سیاستها

از متن بیانات داده شده است. (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۷ - اما برای استخراج می توان به چند شیوه عمل کرد: (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۸ - ساده ترین شیوه این است که گروهی مشخص شوند و با همفکری یکدیگر این سیاستها را

استخراج کنند. (ج ۸ - ص ۹)

۱۸۹ - اما شیوه دیگر این است که فرمایش مورد نظر را به نحوی از کتاب جدا کنیم و با خط کشیدن زیر قسمت

مورد نظر و چسباندن آن روی کاغذ متن بیانات را برای استفاده در مراحل بعدی

آماده نماییم. (ج ۸ - ص ۹)

۱۹۰ - طبیعی است اگر نیاز به گرفتن تصویر از بعض صفحات کتاب باشد، این کار نیز باید توسط گروه‌های

تنظیم انجام شود. (ج ۸ - ص ۹)

۱۹۱ - اما در مقام تأمین محصول باید قبل از هر چیز مشخص کنید که در کدام مواضع، بیانات حضرت امام علیه السلام

یا مقام معظم رهبری «مدظله» وجود دارد. (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۲ - بحمدالله این امر در صحیفه نور و کتب مشابه جمع آوری شده است؛ (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۳ - اما کار شما از جداسازی و انتخاب این بیانات و تقطیع متون بیانات در این مرحله آغاز

می شود. (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۴ - در این حال می توانید بیاناتی را که مربوط به موضوع سیاست یا موضوع مورد نظر شماست،

ارائه دهید. (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۵ - طبیعی است همراه متن، آدرس آن نیز وجود دارد ولی صرف ارائه آدرس را مستندسازی

نمی گویند. (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۶ - از این رو نمی توان مدلی را ارائه داد و گفت مخاطبین محترم به کتاب صحیفه نور مراجعه کنند تا ببینند که

مثلاً در ۲۵ مورد به این موضوع مورد بحث اشاره شده است! (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۷ - از همین جاست که ما ضرورت خلاصه کردن آن بیانات را متذکر شدیم. (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۸ - این خلاصه باید مفهوماً تواتری را اثبات کند. (ج ۸ - ص ۱۰)

۱۹۹ - شیوه کار چنین است که ابتدائاً یک جمله از بیانات آن بزرگواران آورده شود و ذیل آن نویسنده شما یک

پاراگراف توضیح می دهد به اینکه مثلاً حضرت امام علیه السلام در ۲۸۰ مورد علیه استکبار موضع گرفته اند؛ لذا

یک جمله در صدر در مورد استکبار از ایشان آورده می شود و ذیل آن این توضیح ارائه می گردد که در این

تعداد مورد این موضع واحد گرفته شده است. (ج ۸ - ص ۱۰ و ۱۱)

۲۰۰ - سپس خلاصه ای از کل آن مواضع در پایین آورده می شود به این که ایشان استکبار را به نظام پایمال کننده

حقوق ضعفا یا مفسد فی الارض و تعابیری از این قبیل معرفی فرموده اند. می بینیم که در این جملات

عملاً یک ترکیب جدید به وجود می آید. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۱ - در هر حال هنگام ارائه ضمیمه باید بتوان از هر فیشی برجسته‌ترین کلمه را انتخاب و جملات تکراری را

حذف نمود. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۲ - سپس باید پاراگرافی که واقعاً خلاصهٔ بیانات یکی از ایشان در مورد استکبار یا موضوع دیگر است همراه

با آدرس مورد نظر، حذف عبارات تکراری و چینش کلمات برجسته کنار یکدیگر ارائه

گردد. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۳ - بنابراین در این حال می‌توان ادعا نمود که هم «سیاست» و هم «مستند» آن سیاست بیان شده است

بگونه‌ای که در قالب یک عنوان درشت در صدر عبارت می‌توان عین سیاست را به مخاطب القا کرد و

ذیل آن با تعبیری همچون باستناد به عین جملات حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله» را به

صورت خلاصه همراه با آدرس آن بیان نمود. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۴ - می‌بینیم در این شیوه تمامی اسنادها یک جا جمع شده و به ضمیمه منتقل می‌شود. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۵ - اما تحت یک عنوان درشت، تنها تک جمله‌ای از آن بیانات آورده می‌شود و سپس پاراگراف مربوط به

خلاصهٔ کل بیانات آن فصل به ضمیمه منتقل می‌گردد. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۶ - حسن انتقال به ضمیمه در این است که شما در واقع در صدد تنظیم کتاب یا جزوه‌ای هستید که مشتمل بر

عناوین سیاست است، لذا نباید بیش از یک جمله را ذیل عنوان کلی آورد. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۷ - طبیعی است اگر در یک صفحه مثلاً ده عنوان وجود داشته باشد و بخواهید ده پاورقی نیز به تعداد این

عناوین بیاورید مباحث کتاب به درازا خواهد کشید و عملاً از حالت فهرست بودن خارج

می‌شود. (ج ۸ - ص ۱۱)

۲۰۸ - لذا زمانی می‌توان قالب فهرست نظام عناوین و ساختار بودن کتاب را حفظ کرد که آن متون را به ضمیمه

منتقل کنید و تنها به آوردن یک جمله از آن بیانات، ذیل هر عنوان اکتفا کنید. حال فرقی نمی‌کند که آن

جمله بالای بند نوشته شود و ذیل آن عنوان را با قلم درشت تر یا کوچک تر بیاورید یا

بالعکس. (ج ۸ ص ۱۱ و ۱۲)

۲۰۹ - مثلاً می‌گویید: تلخیصی از بیانات بدست آمده است که دارای نظامی براساس ارتکازات موجود است، یعنی «اصلی، فرعی و تبعی» موجود در آن برحسب آنچه در آنها وجود دارد می‌باشد نه برحسب آنچه در مدل مختار موجود است. حال باید ببینیم ربط این تلخیص با موضوعات عینی چگونه است؛ چگونه‌ای که بتوان آن را هم محور با این امر انجام داد، که فرضاً عناوین و کارهای سیاسی موجود در کشور چه اموری است و موضوعاتی که آورده شده است ناظر بر چه کارهایی است و با اوصاف فلسفی چه نسبتی دارد؟ (ج ۸ - ص ۱۲)

۲۱۰ - نمی‌توان صفت اصلی یا دسته‌بندی عینی موضوع خارجی را حتماً سه به سه فرض نمود، بلکه می‌توان آنرا بصورت دو به دو، چهار به چهار یا پنج به پنج نیز طبقه‌بندی کرد. (ج ۸ - ص ۱۴)

۲۱۱ - این امر بایست به صورت استقرایی بدست آید چون در هر حال برای دسته‌بندی این امور از قاعده مشخص باید پیروی شود. این قاعده به اعتقاد ما برای نازلترین بخش، همان منطق انتزاعی است که می‌توان آن را به مشابَهت و اشتراک در یک خصوصیت معنا کرد. (ج ۸ - ص ۱۴)

۲۱۲ - هیچ اشکالی ندارد که در مورد بیانات آن بزرگواران نیز از دسته‌بندی انتزاعی کمک بگیریم و عناوین

انتزاعی را بر آنها بگذاریم چون بعداً زمانی که در مقام اجرا نیز می‌رسید بایست یک نام و عنوان مشخص را بر آنها بگذارید. پرواضح است که نام، یک امر انتزاعی است بلکه می‌توان اسم کسی را نیز به وصف گذاشت و او را «کریم» یا «رحیم» نامید ولی اینگونه نیست که موصوف آن اسم نیز الزاماً کریم یا رحیم باشد. چون اسم، معرف شخص است و نه معرف وصف او. البته این غیر از اسامی مربوط به مفاهیم

اوصاف است چون آنها دارای واقعیت دیگری هستند. (ج ۸ - ص ۱۴)

۲۱۳ - ممکن است در مورد مباحث پیشین این سؤال مطرح شود که آیا پذیرش دسته‌بندی انتزاعی در خصوص

بیانات حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله»، می‌تواند به عنوان محصول مورد پذیرش مرحله

اول قلمداد گردد؟ جواب این سؤال مثبت است. (ج ۸ - ص ۱۸)

۲۱۴ - به تعبیر بهتر ما در حقیقت باید یک دسته‌بندی عینی از بیانات آن بزرگواران و یک دسته‌بندی عینی از موضوعات جاری جامعه داشته باشیم. با این وضع هم در بیانات ایشان و هم در موضوعات عینی، دسته‌بندی عینی و انتزاعی کفایت می‌کند و همین به عنوان مرحله اول گردآوری محسوب می‌شود. (ج ۸ - ص ۱۸)

۲۱۵ - اما آنچه را قبلاً در مورد «اساس، اصول و مصداق» گفتیم با آنچه اکنون بیان شد، متفاوت است. (ج ۸ - ص ۱۸ و ۱۹)

۲۱۶ - یعنی زمانی که ما می‌خواهیم این بیانات را دسته‌بندی انتزاعی کنیم در واقع در صدد این امر هستیم که مشخص کنیم چه بیاناتی را باید به عنوان اساس و کدامیک را به عنوان اصول یا مصداق قرار داد. (ج ۸ - ص ۱۹)

۲۱۷ - به بیان بهتر این تقسیم‌بندی، پل تبدیل مرحله گردآوری به مرحله تجزیه است؛ و الاً نباید آن را به عنوان جزئی از مرحله گردآوری دانست. (ج ۸ - ص ۱۹)

۲۱۸ - بله، زمانی که در مرحله تجزیه وارد می‌شویم به این تقسیم‌بندی نیازمندیم. (ج ۸ - ص ۱۹)

۲۱۹ - مطلب دیگر در مورد اختلاف حجم بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» در سه بُعد «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» است. چه اینکه بر اساس ارتکازات موجود - و نه تقسیم‌بندی فلسفی «دفتر» - می‌توان اکثر آن بیانات را مرتبط با موضوع سیاسی دانست و حجم این مطالب را قابل قیاس با حجم بیانات مربوط به دو بُعد فرهنگی و اقتصادی ندانست. اما این مطلب هم صحیح است که هرچند مطالب سیاسی زیاد می‌باشد، اما تنوع مطلب در آنها زیاد نیست و بعضاً بیانات تکراری است که قابل درج در یکدیگر می‌باشد. اما در هر حال اگر حجم مطالب به همان صورتی باشد که گذشت، باز در تقسیم سقف اعتبار مربوط به هریک از گروه‌های سه‌گانه دچار مشکل نخواهید شد. هرچند در بدو امر اعتبارات موجود را به سه قسمت مساوی تقسیم می‌کنند، اما بودجه اختصاصی در نهایت به هریک از گروه‌ها، متناسب با هزینه و برنامه آنها تخصیص می‌یابد. مثلاً گروه اقتصاد می‌گوید ما در بررسی اولیه متوجه شدیم که تتبع نسبت به بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله»، تنها ۵۰۰ نفر ساعت وقت

و نیرو را طلب می‌کند. اما هنگام تقسیم موضوعات عینی، متوجه شدیم که باید موضوعات فعالیت مربوط به چهار وزارتخانه را در بخش صنایع، کشاورزی، خدمات و کل امور اقتصادی کشور مورد دقت قرار دهیم که عملاً ۱۵۰۰ نفر ساعت زمان و نیرو را می‌طلبد. همین اعداد و ارقام فرضی، ممکن است در گروه فرهنگی یا سیاسی برعکس باشد؛ ولی در هر صورت میزان نهایی پرداخت اعتبار به نفر، ساعت، محصول و مؤلفه‌هایی از این قبیل باز می‌گردد. (ج ۸ - ص ۱۹ و ۲۰)

۲۲۰ - برای استفاده بهتر از جدول «تعریف» برای طبقه‌بندی بیانات حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» می‌توانید اولین تفکیکی را که انجام می‌دهید بر اساس «اساس، اصول و مصداق» باشد. (ج ۹ - ص ۶)

۲۲۱ - مثلاً در بیانات مقام معظم رهبری «مدظله» در باب انقلاب فرهنگی به این جمله برمی‌خوریم که: «هرچند ما کارخانه تولید فاستونی را ندیده‌ایم اما محصول آن را دیده‌ایم». این جمله بیانگر «مصداق» است؛ چون ایشان به بیان یک مثال پرداخته‌اند. (ج ۹ - ص ۶)

۲۲۲ - اما «اصول» مربوط به جایی است که حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله» به بیان اصول و قواعد پرداخته‌اند. از این موارد در بیانات و پیام‌های این دو بزرگوار زیاد به چشم می‌خورد؛ مثل پیام ۸ ماده‌ای مقام رهبری «مدظله» و امثال آن. با این وصف این جمله مقام رهبری «مدظله» را که می‌فرمایند: «هرجا در مقابل دشمن با سستی برخورد کنید او یک گام جلوتر می‌آید» باید به عنوان یک اصل قلمداد کنید. (ج ۹ - ص ۶)

۲۲۳ - اما «اساس» مربوط به مواردی است که اختصاصی به یک موضوع خاص ندارد. (ج ۹ - ص ۶)

۲۲۴ - برخلاف اصول که به موضوعات خاص اختصاص می‌یابد. (ج ۹ - ص ۶)

۲۲۵ - بالاخره مصادیق که نمونه یا نمونه‌های یک دسته از موضوعات است. تمامی اینها به عنوان یک شاخصه مطرح می‌شود. (ج ۹ - ص ۶)

۲۲۶ - از اینرو می‌توان اساس را محوری دانست که کلیه موضوعات با آن ارزیابی می‌شود؛ مثلاً در فرمایش هردو بزرگوار می‌توان مبارزه با آمریکا، شرک، کفر و نفاق را به عنوان مواضع اساسی انقلاب ارزیابی کرد. همچنین است امر ایشان به وحدت کلمه یا الهی شدن امور که اختصاصی به یک موضوع خاص ندارد. تمامی اینها در کلیه موارد قابل استناد است. (ج ۹ - ص ۷۰۶)

۲۲۷ - البته ممکن است شما صد محور اساسی را از بیانات این بزرگواران نیز استفاده کنید ولی با تعریفی که از اساس ارائه شد بخوبی می‌توانید جایگاه هریک از بیانات را مشخص کنید. (ج ۹ - ص ۷)

۲۲۸ - اما گاهی خطاب این دو بزرگوار به قشر خاصی از جامعه، همچون معلمان، پرستاران، حوزویان و غیره است. (ج ۹ - ص ۷)

۲۲۹ - در اینجا نیز باید دقت کنیم و تجزیه کامل را نسبت به این بیانات انجام دهیم؛ مثلاً این کلام مشهور حضرت امام (علیه السلام) که می‌فرماید: «من یک موی کوخ نشینان را به کاخ نشینان نمی‌دهم» یک موضع اساسی است که باید در «اساس» قرارگیرد. گرچه این کلام را خطاب به یک قشر خاص فرموده اما موضع، یک موضع اساسی است. یا ممکن است در دیدار با کشاورزان از مظالم نظام سرمایه‌داری و ظلم سرمایه‌داران یاد کرده باشند. قطعاً این بیانات نیز از مواضع اساسی است. (ج ۹ - ص ۷)

۲۳۰ - اما آن دسته از بیانات که خطاب خاص به یک قشر است در قسمت اصول قرار می‌گیرد. البته با برخی موارد برخورد می‌کنید که برایتان این سؤال پیش می‌آید آیا این بیان مشخص را باید در قسمت اصول قرارداد یا اساس؟ مثلاً حضرت امام (علیه السلام) می‌فرمایند: «دست پینه بسته، سند مالکیت است.» در حالی که مخاطب ایشان کارگران زمین است. اگر شما این بیان را عام بگیرید و آن را به مثلاً کارگران ساختمان نیز تعمیم دهید آن گاه معنا چنین می‌شود که کارگر ساختمانی پس از اتمام بنا مالک آن و یا بخشی از آن خواهد بود! در حالی که حضرت امام (علیه السلام) نظر به قشر خاص کارگران زمین داشته‌اند و نه کل کارگران. اینها مواردی است که باید در جمع‌بندی نهایی به آنها توجه کنید تا بتوانید یک تصویر صحیح از بیانات ایشان ارائه دهید. (ج ۹ - ص ۷۰۶)

۲۳۱ - اصولاً اولین تقسیمات ساده مربوط به محور «تأمین» است. (ج ۹ - ص ۸)

۲۳۲ - می توان مثلاً برای تأمین محتوی با سه اصل «اساس، اصول، مصداق» کار کرد (ج ۱۰ - ص ۵)

۲۳۳ - مطلب آخر این است که عناوین «اساس، اصول و مصداق» مربوط به کار روی بیانات حضرت امام (علیه السلام) و

مقام معظم رهبری «مدظله» است (ج ۱۱ - ص ۱۶)

۲۳۴ - اما نسبت به بیانات حضرت امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله»، سعی کنید که تنها نسبت به

فهرستهای موجود از این بیانات استفاده کنید؛ چون تهیه فهرست جدید از ۲۳ جلد و یا کتب دیگر، کار

زیادی را طلب می کند و نیازمند ارتقاء ضریب دقت است. لذا اگر بنا باشد که مثلاً ۱۸۰۰۰ فیش از این

کتب استخراج شود، قطعاً کار بسیار سنگینی را می طلبد. هرچند نسبت به این تعداد فیش هم می توان

ادعا کرد که برآورد صحیحی صورت نگرفته است. در هر صورت استخراج این بیانات برای رسیدن به

سیاستها، کار بزرگی می باشد و هزینه و امکانات زیادی را به خود اختصاص می دهد. (ج ۱۴ - ص ۶۵)

۲۳۵ - اما در کنار تمامی اینها، وجود «مستندات» ضرورت کامل دارد. این مستندات یا مربوط به امور عینی

است یا از بیانات آن بزرگواران استفاده شده است و یا مربوط به ساختار است که دلالت بر این دارد که ما

نظام موازنه خود را به کار گرفته ایم. (ج ۱۴ - ص ۷۶)

۲۳۶ - مثلاً شما از بیست یا پنجاه رهنمود حضرت امام (علیه السلام)، می توانید یک فعل و یک عنوان را بدست آورید؛

لذا علاوه بر ذکر این عنوان باید آن بیانات نیز در ضمیمه آورده شود؛ گرچه به صورت فهرست و رجوع به

صفحات صحیفه نور و امثال آن باشد. (ج ۱۴ - ص ۷)

فصل دو: مرحله تجزیه

۲۳۷ - پس از اینکه کار نسبت به منابع دفتر و غیر از آن اعم از دائره المعارفها و بیانات حضرت امام و مقام رهبری کامل شد تدریجاً شکل کار پس از چند ماه عوض می شود و آنگاه باید به بررسی شقوق و شاخه های هریک از مواد تهیه شده در محورهای گوناگون پرداخت. (ج ۱ - ص ۱۱)

۲۳۸ - سطح اول از برنامه اول (ارائه یک مدل نظری مطلوب با شاخصه های آن و بکارگیری آن در طبقه بندی مفهومی ای که در «عناوین فهرست برنامه» انجام می دهید) این است که یک طبقه بندی ماتریسی ابتدایی تهیه نمایید؛ یعنی سطر و ستون نمودن عناوین (بدون اینکه آنها را در عوامل یک مجموعه برده و صحبتی از ترکیب آنها داشته باشید) بگونه ای که فهرست شما ۲۷ عنوان کلی و ۸۱ موضوع برای اقتصاد، ۲۷ عنوان کلی و ۸۱ موضوع برای فرهنگ و ۲۷ عنوان کلی و ۸۱ موضوع نیز برای سیاست داشته باشد. البته بعداً باید برای هریک از ۸۱ موضوع، شاخصه و کمیت (واحد برای اندازه گیری) تعریف نمایید. در این صورت است که می توانید فرمایشات مقام معظم رهبری و امام راحل علیه السلام را طبقه بندی شده تحویل دهید. هرچند در این مرحله با یک کار کتابخانه ای، یک طبقه بندی تخمینی تحویل خواهید داد ولی برای مرحله دوم باید بتوانید اطلاعات عینی را وارد نموده و عوامل درونزا و برونزا را بدست آورید. نباید بگونه ای باشد که با شعر مدل و شعر فعالیت مدیریتی، تخیل کارشناسان و مدیران را تحریک نموده ولی نتوانید مدل خود را به معادله تبدیل کنید. (ج ۲ - ص ۱۱)

۲۳۹ - بعد مرحله دقیقتر این است که با ضرب شده «ارزش، فکر، هنر» در «موضوعات، فعالیتها و اهداف» مجدداً صحیفه نور و فرمایشات رهبری (حفظه الله) بررسی شود، بگونه ای که هریک از سه گروه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ۲۷ عنوان کلی و ۸۱ عنوان موضوعی از صحیفه نور و فرمایشات رهبری (حفظه الله) بدست آورند تا بعد بتوانند عوامل متغیر درونی هریک از این عناوین را طرح نمایند. (ج ۳ - ص ۳ و ۲)

۲۴۰ - بعد یک مدل برای تجزیه یا یک وسیله تجزیه می خواهید که در این بخش طبیعتاً بیشتر از «ماتریس» لازم ندارید. (ج ۴ - ص ۳)

۲۴۱ - در بحث «تحلیل موضوعات برنامه»، فرمایشات مقام معظم رهبری «مدظله» را به «مصدق - استدلال - مبنأ» تقسیم نموده و اکنون به «مصدق - اصول و جهت گیری اساسی» تقسیم می نمایم. یک مدیر در جامعه برای القای مطلب خویش گاهی «یک مصداق» گاهی یک «اصل ارزشی» و گاهی یک «جهت گیری اساسی» را بیان می کند. (ج ۴ - ص ۳)

۲۴۲ - جهت‌گیری اساسی حاکم است مانند «الهی» یا «الحادی». اصول هم در واقع مصداق نبوده و یک شیء را مشخص نمی‌کند بلکه یک عنوان کلی است که موضوع خطاب می‌باشد، مانند عنوان «مستضعفین». (ج ۴ - ص ۳)

۲۴۳ - در بخش تجزیه، اصطلاح مدل فقط برای ملاحظات ساده در تجزیه بیان شد؛ هر چند در عملیات ماتریس (سطر و ستون کردن عناوین) تجزیه نسبتاً به هم مربوط انجام می‌شود. در غیر تجزیه ماتریسی، تناسبات، قابل ملاحظه نیست؛ بلکه عناوین را تقسیم و مقسم قرارداداده و جنس و فصل برای آنها بصورت طولی بیان می‌کنید در حالیکه در تجزیه ماتریسی هم به صورت طولی و هم به صورت عرضی بیان نموده و به یک میزان ساده‌ای نسبتها را نیز ملاحظه می‌نمایید. در واقع می‌توانید با اضافه سطر و ستون به یکدیگر عناوین اصلی، فرعی و تبعی را معین کنید. (ج ۴ - ص ۵ و ۴)

۲۴۴ - اما در مقام تجزیه اگر ۳ عنوان دیگر را در کنار ۳ عنوان پیشین قرار دادید تا تبدیل به یک جدول ۹ عنوانی شود آنگاه عمل شما سادگی مرحله تأمین را نخواهد داشت؛ مثلاً در این باب می‌توانید از عناوین سه گانه «موضوع، فعالیت و هدف» استفاده کنید که ترکیب این عناوین شما را به عناوین مرکبی همچون موضوعات اساسی، موضوعات اصولی و موضوعات مصداقی رهنمون می‌کند. در این حال که این عناوین را به هم ربط داده و آنها را به هم مربوط می‌کنید در واقع در حال تجزیه هستید. (ج ۹ - ص ۸)

فصل سه: مرحله ترکیب

۲۴۵ - در مدل، بعد از مرحله تجزیه، مرحله ترکیب است که اصولاً در این مرحله، مدل شروع به پیدایش

می‌کند. (ج ۴ - ص ۵)

۲۴۶ - در ترکیب باید موضوعات نسبت به یکدیگر وزن داشته باشند و نحوه تبدیل شدن آنچه که در مرحله اول

تجزیه شده و جدا جدا نوشته شده است، باید به عوامل، محدود شود. باید معلوم شود ۲۷ تا چگونه ۹ و

۳ و ۱ می‌شود. این طرف جدول ۱، ۳، ۹، است و طرف دیگر نیز ۹، ۳، ۱ و ۱ است، اما چگونه می‌توان در

این طرف «اگر» گفت و در آنطرف «آنگاه» را بیان کرد. (ج ۴ - ص ۵)

۲۴۷ - عمل ترکیب، باید بتواند شاخصه‌های شما را خوب جای دهد همانگونه که عناوین کلی را به خوبی

جای می‌دهد؛ یعنی فرمایشات امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری «مدظله» در ستون «عناوین موضوعات»

قرار می‌گیرد. و «موضوعات» در ستون شاخصه‌ها قرار می‌گیرد. (ج ۴ - ص ۶)

۲۴۸ - بنابراین «ترکیب» باید بتواند عناوین مربوط به هم را به عناوین یک نظام، تبدیل نماید بگونه‌ای که متغیر

اصلی در آن معلوم باشد و معنی اگر و آنگاه بدهد و بتواند هر چند بصورت فرضی وسیله کنترل قرار

گیرد. علت فرضی بودن نیز این است که اصلاً مطالعه وضعیت عینی انجام نشده است؛ مثلاً بررسی

نمی‌شود که چند تا مداد تولید شده و چند تا مدرسه یا دانشگاه است و سیرکار و محتوای آموزشی

چیست. در ترکیب فعلاً توانسته‌ایم این عناوین را به یک مجموعه تبدیل کنیم تا معنای «اگر و آنگاه» را

بتوان در آن فرض کرد. (ج ۴ - ص ۶)

۲۴۹ - طبعاً اگر «اساس، اصول و مصداق» را برابر با ۲۷ عنوانی که در اختیار دارید، آوردید آنگاه باید ۸۱ عنوان

را ارائه دهید؛ یعنی این عناوین را در جدول ۲۷ عنوانی روبروی آنها قرار می‌دهید. (ج ۷ - ص ۱۲)

۲۵۰ - در این حال می‌توانید از عناوین دیگری همچون «اصلی، فرعی و تبعی» نیز سراغ بگیرید. چون مصداق،

همیشه به تبع اصل و اصل به تبع اساس به وجود می‌آید. (ج ۷ - ص ۱۲)

۲۵۱ - قطعاً شما می‌خواهید مجموعه سیاستها را از مجموعه سخنانی که راجع به یک موضوع از حضرت

امام (علیه السلام) یا مقام معظم رهبری «مدظله» به ما رسیده است، تنظیم کنید؛ اما متوجه باشید که بدون چند امر

نمی‌توانید این کار مهم را انجام دهید که در رأس همه این امور باید بتوانید از عامترین دسته‌بندی

استفاده کنید. (ج ۷ - ص ۱۲)